

راه
توده

تشریح و تحلیل و تبیین در طرح از کشور

جمعه ۶ آبان ۱۳۱۲ مطابق

۱۲۸ کتبر ۱۹۸۳

شماره دوم، شماره ۶۵

۴۰۰ ریال

خطر امپریالیسم آمریکا برای منطقه حتمی و جدی است!

آمریکا، هجوم افسار گسیخته و همه سویه خود را گسترش می بخشد.

در هفته گذشته، آهنگ اعمال سیاستهای تجاوزگرانه و تشنج فزاینده آمریکا در جهان، شتاب کم سابقه ای یافت. یورش های بی محابا و حساب شده امپریالیسم آمریکا، به مناطقی که امکان تجاوز و تشدید تشنج در آنها را از پیش، تدارک دیده بود، از این واقعیت خبر می دهد که آمریکا برای "باز پس گرفتن مواضع از دست رفته" شمارش معکوس خود را آغاز کرده است:

درجه ————— ان :

حاکمیت انقلابی نیکاراگوئه را تهدید می کند؛

در گرنادا، ۲۰۰۰۰ تنگدار نظامی با پشتیبانی آتشبار توپخانه نیروی دریایی خود، پیاده می کند؛

کارزار تبلیغاتی گسترده ای علیه نیروهای شرکت کننده در "جنبش صلح" - که در این هفته، سراسر اروپا و آمریکا را به لرزه در آورد - برآورد. براه می اندازد؛

بقیه در صفحه ۶

ادامه جنگ و تشدید بحران در منطقه در خدمت تقویت امپریالیسم و ارتجاع!

سخنگوی شورای عالی دفاع، پس از اتمام جلسه ۱۸ مهر این شورا، در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد:

"... سیاست ما در شورای عالی دفاع و خدمت امام از اول اینطور ترسیم شد ... (اطلاعات، ۱۹ مهر)"

یعنی می توان "سیاستی" را که مسأله ادامه مطلب به آن خواهیم پرداخت، به مثابه چکیده تفکر پریار "این شورا و نتیجه" خسرد جمعی "آن به شمار آورد، نه اظهار نظر شخصی ... به عبارت دیگر آنچه آقای سخنگو بر زبان می آورد، جوهر اندیشه حاکم بر حاکمیت ج ۱۰ - ۱۰ است."

آقای سخنگو، در گفتگویی خود، پس از اینکه فروش هواپیماهای "سوپر اتاندارد" را توسط فرانسه به عراق "در مرحله فطی یک حرکت تبلیغی" اعلام می دارد و تلویحا از مردمی طلبد که بد به دل راه ندهند، اعتراف می کند، که "البته این معنایش این نیست، که در مرحله بعدی امکان اینکه این تهدید عملی شود (و مشکلاتی از گروست توسط این هواپیماها به مراکز نفتی ما غریبه وارد کند)، وجود ندارد ...". به همین ترتیب برای "شورای عالی دفاع" خطر حمله موشکی به مراکز نفتی ایران قابل درک و لمس است!

و اما آن "سیاستی" که از اول اینطور بقیه در صفحه ۴

از "نوید"، بیاموزیم!

سیر و سرگذشت سازمان زیر زمینی "نوید"، در سالهای دشوار اختناق و سرکوب

صفحه ۸

"انقلاب فرهنگی"، ارتجاع، جانشین "سیاست فرهنگی"، امپریالیسم

اما احترام به مذهب مسئله ایست و ایستادگی و افشاکاری در برابر جنایات سیاسی و اجتماعی زورگویان و جاهلان بنام مذهب، مسئله ای دیگر. با تسلیم مماشائگران به راستگرایان، اینک در میهن ما حاکمیتی فرمانروایی می کند که زیر پوشش مذهب، به هر جنایتی دست می یازد و با تجاوز به ابتدائی ترین حقوق زنان و مردان و بسزور بقیه در صفحه ۶

کمونیست ها و از جفته ما کمونیست های ایرانی به مذهب و باورهای مذهبی خود، هر کدام احترام می گذاریم. احزاب کمونیست، احزاب سیاسی هستند و نه احزاب ضد مذهبی. تا بحال در هیچیک از کشورهای سوسیالیستی، هیچکس به گناه داشتن عقاید مذهبی و یا اجرای مراسم دینی تحت پیگرد و بازداشت قرار نگرفته است.

آقای وزیر کار، در حرف، مدافع تشکل، و در عمل، ضد تشکل است

صفحه ۱۰

سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران محکوم نمود

جنایات حاکمیت ج ۱۰ - ۱۰ در دلهی نو سرگزار نمود. ریاست جلسه را اسقف مرقی، پائولوف مارگریوریاس بعهده داشت و تنی چند از بقیه در صفحه ۲

"سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان" روز بیست و هشتم سپتامبر (۶ مهرماه)، جلسه با شکوهی به مناسبت بررسی رویداد های اخیر ایران و افشای

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

دفاع از توده‌ای‌های دربند، همچنان در دستور روز وظایف سازمانها و کانونهای مترقی و پیشرو قرار دارد!

هندوستان

• کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) در پایان جلسه خود که از تاریخ ۲۵ شهریور تا شانزدهم سپتامبر (۱۹ تا ۲۵ شهریور) در دهلی نو برگزار گردید، از جمله همبستگی خود را با زندانیان توده‌های و کلیه دموکراتهای دربند اعلام نموده، پایانی بخشیدن به تضيیقات علیه آنان را خواستار شده است.

• شورای ملی سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان در خاتمه جلسه خود به تاریخ چهاردهم سپتامبر (۲۳ شهریور) در دهلی نو، قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن ضمن محکوم کردن شکنجه و آزار میهن پرستان، نیروها و سازمانهای مترقی و ضد امپریالیست، این اعمال را علیه منافع مردم ایران ارزیابی می‌کند. "شورا" همچنین خواهان آزادی فوری کلیه مبارزینی که در خط مقدم جبهه مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه قرار داشته و به خاطر استقرار صلح و عدالت اجتماعی رزمید هاند، شده است.

• در ماههای گذشته، دموکراتهای شهر اوجین واقع در ایالت مادیا پراش، به اقدامات اعتراضی وسیعی، علیه بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقی دست زد هاند. از جمله انجمن کارکنان بیمه، "فدراسیون جوانان هند"، "اتحاد پیه کارگران"، وابسته به کنگره سراسری، اتحاد پیه های کارگران هند، "شورای اتحادیه کارگران؟ دبیرخانه عمومی" اتحادیه کارگران و کارمندان" و شعبه حزب کمونیست در این شهر، طی صدور اعلامیه‌هایی بطور جداگانه خواستار خاتمه بخشیدن به تضيیقات و فشار علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی، قطع شکنجه زندانیان، اجازه ورود به هیأتی بی طرف، متشکل از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع آنان و تشکیل دادگاههای علنی، مطابق با موازین حقوق بین‌المللی گردید هاند.

• انجمن نویسندگان مترقی بوهال، واقع در ایالت مادیا پراش، ضمن ابراز تأسف و تأسیر شدید خود، از خبر بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران و سایر دموکراتها و بویژه شعرا و نویسندگان برجسته ایران، اعمال روش های غیر انسانی حکومت جمهوری اسلامی را در مورد زندانیان پشوت محکوم کرده و از دولت هندوستان درخواست نموده است، نسبت به

این اعمال اعتراض کند و احساسات همبستگی "انجمن" را به مردم ایران ابلاغ نماید.

• گروهی از وکلای مترقی دادگاه عالی هندوستان، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مقامات



ج ۱۰۱۰ و افکار عمومی بین‌المللی انتشار داد هاند که طی آن نسبت به بازداشت و شکنجه مبارزین ضد امپریالیست در ایران، و به ویژه اعضای حزب توده ایران، شدیدا اعتراض نمود هاند و مسئولین مملکتی را به رعایت موازین حقوق بشر فرا خواند هاند.

آنان ضمن مطرح کردن خواست های خود، مبنی بر رعایت حقوق دموکراتیک مردم ایران، انتشار لیست کامل زندانیان و بر شمردن اتهامات يك يك آنان از طرف حکومت ج ۱۰، بر امر تشکیل دادگاههای علنی، طبق موازین حقوق بین‌المللی برای زندانیان تأکید ورزیده و خاطر نشان ساخته اند که در صورت تحقق این امر، با خوشنودی کامل، دفاع از برادران ایرانی خود را بعهده خواهند گرفت.

سوئد

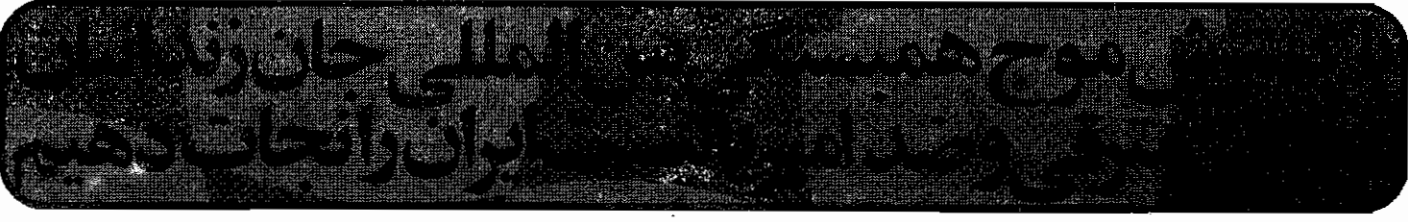
روزنامه "نورشنس فلامان"، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، در سرمقاله روز سوم اکتبر (یازدهم مهرماه) درباره اوضاع ایران، به جو ترور و خفقان حاکم بر میهن ما اشاره کرده، پس از درج مفصل تاریخچه تأسیس و مبارزات حزب توده ایران، به بازداشتهای اخیر و بقیه در صفحه ۳

سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران محکوم نمود

بقیه از صفحه ۱ شخصیتهای بنام این کشور، از جمله معاون کمیته بنیاد دانشگاههای هند، وکیل دادگاه عالی هندوستان و دبیر اول انجمن وکلای هند و نیز یکی از استادان دانشگاه جواهر لعل نهرو به تشریح اوضاع ایران، گردش به راست حاکمیت ج ۱۰ و پایمال نمودن دستاورد های انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران، پرداخته اند. اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران، اعضای آن و سایر دموکراتهای دربند محکوم نمودند.

شرکت کنندگان در جلسه، پس از استماع سخنان گویندگان و بحث در این زمینه، با توافق آراء، قطعنامه‌ای بتصویب رساندند که متن آن چنین است:

"بدینوسیله، نگرانی جدی خود را در مورد جریانات اخیر ایران ابراز داشته، اعمال سرچشمه‌های حاکمیت را محکوم نموده، نسبت به



دفاع از توده‌ای‌های دربند، همچنان در دستور روز وظایف سازمانها و کانونهای مترقی و پیشرو قرار دارد!

بقیه از صفحه ۲

نمایندگان " کمیسیون خانواده " زندانیان و ناپدید شدگان آرژانتین " که از کلیه خانواده های زندانیان سیاسی مخالف رژیم این کشور و ناپدید شدگان - صرف نظر از ایدئولوژی آنان - تشکیل شده و هم اکنون در رابطه با کسار زار وسیع تبلیغاتی در زمینه " افشای سیاست جنایتکارانه دیکتاتوری حاکم و جلب همبستگی بین‌المللی ، به کشورهای اروپائی مسافرت می کنند ، طی اقامت در پارسلن ، همبستگی خود را با خانواده " زندانیان سیاسی ضد امپریالیست و پیوسته ، توده‌ای‌های دربند اعلام داشته ضمن ارسال نامه " اعتراضی به نخست وزیر ج ۱۰۱۰ که رونوشت آن به سفارت ج ۱۰ در اسپانیا نیز فرستاده شده است ، خواستار آزادی اعضای حزب توده " ایران و سایر دموکراتها ، از شکنجه گاههای حکومت ایران گردید مانند .

● احزاب کمونیست شیلی ، اوروگوئه ، آرژانتین ، لبنان در کاتالونیا ، طی ارسال نامه اعتراضی به نخست وزیر ج ۱۰۱۰ ، خواستار آزادی اعضای حزب توده " ایران و سایر مبارزین ضد امپریالیست از سیاهچالهای حکومت و از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب گردید مانند .
" کمیسیون همبستگی با خلق بلیوی " در کاتالونیا ، اعتراضنامه‌هایی به مقامات ج ۱۰۱۰ ارسال و در آن ضمن بر شمردن از جان گذشتگیهای کمونیستهای ایران در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار ، آزادی آنان و سایر دموکراتهای در بند را خواستار گردیده‌اند

آنان و نیز ناقض استقلال و آزادی است و در پایان اعلامیه ، طی فراخوانی ، از کلیه نیروهای مترقی و دوستداران حقوق بشر در فرانسه و جهان خواسته شده است که بمنظور پایان بخشیدن به پیگرد ، بازداشت و شکنجه در ایران و آزادی کلیه زندانیان دموکرات و استقرار آزادی ، اقدامات لازم را بعمل آورند .

اسپانیا

واحد " سازمان آزاد پیشخ فلسطین " در پارسلن ، طی ارسال نامه‌ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰ ، نگرانی شدیدی خود را از اوضاع جاری ایران ، که یکی از بزرگترین انقلابات تاریخ معاصر را به ورطه " شکست و خیانت به توده‌های میلیونی زحمتکش میهن ما کشانده است ، ابراز داشته ، آزادی بی قید و شرط زندانیان توده‌ای ، از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب توده " ایران و رفع تضییق از کلیه نیروهای ضد امپریالیست را خواستار گردیده است .
رونوشت این نامه ، به سفارت ج ۱۰۱۰ در اسپانیا ، ارسال گردیده است .

شکنته‌هایی که در مورد توده‌های و سایر دموکراتهای زندانی اعمال می‌شود ، پرداخته است .

در سرمقاله ، همچنین باین مطلب اشباره گردیده که دولت ریگان ، هم اکنون با رضایت خاطر ، ناظر پیگرد و آزار کمونیستها و مبارزین ضد امپریالیست در ایران است .

در این مقاله به قربانی کردن نیروهای مترقی و مدافعین انقلاب و گسترش کارزار ضد کمونیستی و شوروی ستیزی ، برای بسط هر چه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی دولت با کشورهای سرمایه داری اشاره شده است .

مقاله در خاتمه ، به توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهت سرکوب انقلابات آزاد بیخوش آشاورده و بر بی‌ثمر بودن این تلاشها در تحلیل نهائی و پیروزی قطعی نیروهای مردمی ، تأکید شده است .

فرانسه

روزنامه " اومانیت " ، ارگان حزب کمونیست فرانسه ، در تاریخ هشتم اکتبر ، (۱۶ مهر ماه) اقدام به درج اعلامیه " کمیته " دفاع از آزادی و حقوق بشر در فرانسه و جهان " ، در مورد ایران نموده است .

در این اعلامیه ، نگرانی شدید مردم فرانسه ، از دریافت اخبار حاکی از اعمال قانون شکنانه ، بی‌حرمتیا و جنایتی که بصورت روشهای روزمره بر علیه کمونیستها و دموکراتها به اجرا درمی‌آید ، ابراز گردیده و تأکید شده است که اینگونه اعمال ، بر خلاف منافع مردم ایران و آمال آزاد بخوانه

آقای وزیر کار ، در حرف ، مدافع تشکل و در عمل ، ضد تشکل است

بقیه از صفحه ۱۰

ها ، زیر پوشش قوانین بیمه و تأمین اجتماعی قرار گیرند . حق بیمه کلا از سوی دولت و کارفرما پرداخت شود . قانون بیمه بیکاری تصویب شود . و برای کارگرانی که به علت حرفه خود ، سوانح کارخانیشان را تهدید می‌کند ، بیمه عمر برقرار گردد .

سن بازنشستگی کارگران تقلیل یابد . زنان با ۵۰ سال سن و ۲۰ سال کار و مردان با ۵۵ سال سن و ۲۵ سال کار حق بازنشستگی داشته باشند .

اگر آقای وزیر کار ، واقعا در صدد " رفع مشکلات " کارگران است ؛ بچاست که به عنوان " سومین اقدام مهم " خود ، قانون کاری ، بسا رفوس یاد شده تدوین کند و پس از ۵ سال ، به این حداقل آرزوی کارگران ، جامعه عمل ببوشاند !

همبستگی مسئولین سندیکاها و شوراهای کارخانه‌ها در آلمان فدرال با زندانیان توده‌ای

● هلگا ویلهلمس - معاون ریاست شورای کارگران ● دکتر هایدی کناکه - عضو هیئت رئیسه یک سندیکا ● هانس یواخیم مولر ، رئیس شورای کارگران ● اولبریک مارکر ، معاون ریاست یک سندیکا ● اینگه کنوتز ، معاون ریاست سندیکای سراسری آلمان فدرال در آلدنبرگ ● باربارا برنیکمن ، عضو هیئت رئیسه یک سندیکا ● هانز گوتتر هارتینگ ، عضو هیئت رئیسه سندیکا ● گوردن پاتل ، رئیس شورای کارگران ● امی هل بیگ ، عضو شورای کارگران ● مالوین زهمن ، رئیس یک شورای محلی سندیکایی زنان ● کلاوس دوپکه رئیس شورای کارگران ● پتر برنیکمن ، عضو یک سندیکا ● پتر سوتز ، عضو هیئت رئیسه حزب سوسیال دموکرات آلمان فدرال در آلدنبرگ ● ارنست اشتایگر والد ، معاون ریاست شورای کارخانه ● مارکوس شالک ، عضو شورای کارگران ● ایر-ملین شاخت اشتایدر ، معاون ریاست یک سندیکا ● کلاوس زهمن ، رئیس شورای کارگران ● اولبریک اشمیت ، عضو شورای محلی جوانان یک سندیکا ● پرفسور دکتر رابیز کروگر ، پرفسور دانشگاه آلدنبرگ ● دکتر آندریاس زیگر ، پزشک ● گرت براتیز ، حقوقدان ● هانس هتینگ آدلر ، وکیل

تا کنون ۱۷ تن از مسئولین سندیکایی و شوراهای کارخانه‌ها ، اعضای شهرداریها و رهبران احزاب در آلدنبرگ ، نامه سرگشاده‌ای را که خطاب به سفارت ج ۱۰۱۰ در بن انتشار یافته است ، به امضا کردند .
متن نامه بقرار زیر است :

" با کمال تأسف ، شاهد نقض موازین حقوق بشر در ایران هستیم ، موازینی که در قانون اساسی ج ۱۰ نیز مندرج است و بدینوسیله از مقامات مسئول حکومتی در ایران می‌طلبیم ، که با نظارت هیئتی بین‌المللی ، در دادگاههای اعضای حزب توده " ایران و سایر نیروهای دموکراتیک ، موافقت نماید .
برخی از امضا کنندگان نامه سرگشاده فوق عبارتند از :

● مانفرد هیند رکز ، عضو شورای کارگران .
● دوروتا فوکت ، عضو شورای کارگران .
● ماتیسوس شاخت اشتایدر ، رئیس شورای کارگران .
● ورنر کالتنبورن ، رئیس شورای کارخانه آکسل کلاین اشمیت ، عضو هیئت رئیسه حزب سوسیال دموکرات آلمان فدرال در آلدنبرگ .
● میاشالا ژسنی ، رئیس یک شورای محلی سندیکایی زنان

ادامه جنگ و تشدید بحران در منطقه در خدمت تقویت امپریالیسم و ارتجاع!

● ادامه جنگ بخاطر دفاع از انقلاب نیست!

بقیه از صفحه ۱

ترسیم شده " چیست ؟!

سخنگوی شورای عالی دفاع می‌گوید:

" ۰۰۰ ما امنیت خلیج فارس را تا موقعی حفظ می‌کنیم که صادرات ما از خلیج فارس، بطور عادی باشد ۰۰۰۰۰ "

به عبارت دیگر ارزش " خلیج فارس " برای آقایان شرکت کننده در " شورای عالی دفاع " ، تنها و تنها به این محدود می‌شود که " صادرات ما از خلیج فارس " ممکن باشد . یعنی برای کسانی که لحظه هم فریاد های " معنویت خواهی " شان ، قطع نمی‌شود و حکم " مهدور الدمی " ما ، پیروان سوسیالیسم علمی را به جرم " ماده پرستی " و " دفاع از منافع مادی " سالها پیش صادر کرده اند ، اعتبار حفظ " امنیت خلیج فارس " تا آنجاست که امکان صدور " ماده " از آن به این و آن سو ورود " مواد " از کشورهای دیگر به آن ، باقی باشد .

برای درک دقیق تر معیوب بودن این سیاست باید به ادامه " نظرات " شورای عالی دفاع " توجه کرد تا روشن شود ، یک محاسبه تا درستی ، که هدفهای خلاف منافع مردم میهن ما و انقلاب آن را دنبال می‌کند ، چگونه می‌تواند برای مردم منطقه خلیج فارس و ماورا آن قلمچه بیافریند !

آقای سخنگوی " شورای عالی دفاع " ضمن تأکید " بی ارزش " بودن خلیج فارس ، می‌گوید : " تدبیری " که " تصمیم " آن را در اوایل جنگ گرفتیم ، این بود که " خلیج فارس را بسته نگذاریم " ، زیرا " امکاناتش را هم خوب داریم " سپس اضافه می‌کند :

" هیچ قدرتی ، حتی جنگ جهانی سوم نیز ، نمی‌تواند آنرا ، اگر ما نخواهیم ، باز کند . "

به عبارت دیگر ، آقایان اعضای " شورای عالی دفاع " بخوبی آگاهند که امپریالیسم آمریکا ، در پی یافتن " بهانه‌ای " (که بگفته " شولتز " وزیر امور خارجه آمریکا ، " بازنگهداشتن آبراههای بین - المللی " را تهدید کند . در سرگردان ایدئولوژی " آموز است)

این آقایان همچنین بخوبی واقفند که " بسته نگهداشتن " خلیج فارس ، چنین " بهانه‌ای " را صاف و ساده ، در اختیار امپریالیست ها و در رأسشان امپریالیسم آمریکا قرار می‌دهد . احتی اعضای شورای عالی دفاع " آنقدر " دوراندیش هستند که بدانند در اثر دخالت امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ، خطر ایجاد " جنگ جهانی سوم " به روشنی روز وجود دارد ، و با وجود این ، خم به ابرو نمی‌آورند و با ادامه سیاست معیوب خود ، با غرور یک مرغ اعلام می - کنند که :

" نظر ما ، همان حرفی است که قبلا گفتیم ! " بدیهی است ، روشنی نظرات و مواضع حزب ما در دفاع از میهن ، حفظ تمامیت ارضی و

منافع زحمتکشان و " مستضعفان " - نیست ، که باید برای دفاع از آن یا امپریالیسم روبرو شد و " حتی جنگ جهانی سومی " را هم به جان پذیرفت تا بلکه مطلب بر سر براندازی انقلاب و به باد دادن منافع ملی و منافع مردم میهن ما و تحکیم باز هم بیشتر مواضع امپریالیسم و ارتجاع جهانی و منطقه است ، برای چنین اهدافی باید منطقه به آتش کشیده شود .

آری ، حتی جهان را باید مشتعل ساخت تا همچنان " سیاست "ی که " از اول ترسیم شده " پیاده شود . در این رهگذر چه باک اگر امپریالیسم ، " برنده " اصلی " باشد و بشریت ضد

استقلال کامل آن و دفع تجاوز امپریالیستی ، نیاز به تصریح ندارد ؛ شرکت گسترده " تود ما یها و چافشانی و ایثار شان در این راه شبت تاریخ است . اما آیا آنچه آقایان " شورای عالی دفاع " می‌گویند و بر آنند که به آن عمل کنند ، در جهت دفاع از میهن است ؟! آیا این " تدابیر " و " تصمیم " های " از اول ترسیم شده " ، بخاطر حفظ تمامیت ارضی ایران و تأمین استقلال واقعی کشور است ؟! آیا گردانندگان چ ۱۰۱۰ با اتخاذ چنین " تدابیر "ی در صدد نجات انقلاب از خطر تجاوز و مسخ ویرانگر آنند ؟!

باید به تمام این پرسش ها ، پاسخ منفی داد!

ما هر چه از معیط مترفین به طرفی
معیط معرومان و متقی ها میرویم
میبینیم که انقلاب پایگاهش آنجاست و ما اینجاییم !



نقل سخنان " امام چه وقت تهران " از اطلاعات سبته دوم مهر ماه ۱۳۶۲

جنگ و صلح دوست ، بازنده " مغبون !

معیوبی این سیاست و این تفکر ، هنگامی به اوج خود می‌رسد که حاکمان چ ۱۰۱۰ با علم به اینکه امکان وقوع " جنگ جهانی سوم " پیش از پیش می‌تواند به واقعیت بدل شود ، همچنان بر اعمال " سیاست های طلیلی خود پای می‌فشرند و از اینکه جهانی را به آتش بکشند ، پروا نمی‌دارند آنها که می‌خواستند " معنویت " را بر " مادیت " برتر بدارند ، اکنون برای تأمین منافع مادی - صدور نفت خود از خلیج فارس - حاضرند حق حیات ساکنان منطقه و حتی جهان را از آنان باز ستانند ! و تمامی این جنایات را در گوی بهانه پوک " انتقام کشی " و " قصاصی کردن " صدام می‌گنجانند !

آری چنین است سطح " خرد جمعی " و " چکیده تفکر بریار " اعضای " شورای عالی دفاع " که اکنون بر جان و مال و هستی مردم محروم ما حکومت می‌کنند !

مگر سیاست علیل همین آقایان تسلیم طلب نیست ، که :

- جامعه بحران زده و انقلاب مظلوم ما را به ورطه " شکست کشانده ؛

- که شرایط داشتن یک زندگی حداقل و عادی را برای اکثریت مردم زحمتکش و محروم ما ، امکان ناپذیر ساخته ؛

- که پل ویران شده " وابستگی به امپریالیسم را از نو تعمیر کرده ؛

مگر به پیروزی همین " سیاست " نیست که کاغذ های مهپور به شعار " نه شرقی ، نه غربی " وزارتخانه های چ ۱۰ هر روز با متن قرارداد های استقلال شکن و خیانت بار ، سیاه می‌شود ؟!

مگر اعمال مصلحانه این " سیاست " جزاد پمار و فقر روز افزون چیز دیگری هم برای میهن ما به ارمغان آورده است ؟!

بنابر این مطلب بر سر دفاع از انقسلاب نیست ! مطلب بر سر حفظ مصالح عالییه انقلاب -

امپریالیسم باز هم فاجعه آفرید!

بری است که در عملیات تجاوزگرانه انگلستان طیہ آرزائین، در تجاوز به جزایر فالکلند - مالویناس شرکت کرده بود .
این اقدام تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان ناتوئی اش، نشانه آشکار تعرضی است که در تمام نقاط جهان، علیه نیروهای مترقی و کشورهای تازه از بند رسته آغاز کرده است . امپریالیسم آمریکا، استقلال و آزادی تمام کشورهای آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب را نشان گرفته و این اقدام رهازنانه، حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم به منظور سراندازی رژیم های مترقی در منطقه و بازگرداندن رژیمهای باب میل خود، در این کشور است .

خبرگزاریها، آمریکا طی سالهای اخیر، نقشه سرکوب انقلاب گرنادا را - که در سال ۱۹۷۹ پیروز شد و راه رشد مستقل خود را آغاز کرد - تدارک دیده و اکنون آنرا به مرحله اجرا در آورده است. دولت ریگان به بهانه‌های خود ساخته، پیش از ۲۰ ناو جنگی به سواحل گرنادا رهسپار کرد و است و به گفته سخنگوی کاخ سفید، این عملیات - علاوه بر دلایل دیگر - بمنظور جلوگیری از حضور کمونیستها در نیمکره غربی به اجرا درآمد. دولت انگلستان نیز، ناوهای خود را که ناو موشک - پرم هم جزء آنست، برای کمک به نیروهای آمریکایی به این کشور اعزام داشته - این همان ناو موشک -

روز ۲۶ اکتبر، امپریالیسم آمریکا، گرنادا را انقلابی را مورد تجاوز قرار داد و با اعزام ۲ هزار تنگنادر دریایی که با آتشبار توپخانه‌نیروی دریایی آمریکا، پشتیبانی می‌شدند نقاط مهم استراتژیک این کشور را اشغال کرد .
ریگان جانی، طی گفتاری در تلویزیون، شرکت آمریکا را، در تجاوز به گرنادا تأیید کرد . او عملیات سرکوبگرانه و تجاوزکارانه آمریکا را در این کشور، با ادعای " نجات جان " شهر - وندان آمریکایی مقیم گرنادا و در " احیا " شرایط دموکراتیک " در این کشور، توجیه کرد .
در واقع، گرنادا قربانی سیاست‌خواسته‌معماری و تجاوزی واشنگتن شده است. به گزارش

بیانیه حزب کمونیست کوبا پیرامون رویدادهای غم‌انگیز گرنادا

پرویش، وینسنت نوتل جانشین اول اتحادیه مرکزی کارگری گرنادا، رئیس بین وزیر خانه سازی و فیزیوی بین دبیر کل اتحادیه کارگران کشاورزی بیان آورد .
پیشاپ یک رهبر سیاسی بود که بر پایه استعداد، سادگی، صمیمیت و صداقت انقلابی خود در کوبا از همدردی زیادی برخوردار بود و در جهان هم برای او احترام زیادی قائل بودند . مرگ او رهبری کشور ما را سخت متأسف کرده و ما برای همیشه یاد او را گرامی خواهیم داشت .
باید متأسف بود که تفرقه در میان انقلابیون گرنادا با این مراسم خونین به پایان رسیده است .

مرکزی حزب حاکم گرنادا فرستاد که در آن مواضع کوبا به روشنی تشریح و گفته شده بود که کوبا بخود اجازه نمی‌دهد، در امور داخلی حزب و دولت گرنادا مداخله نماید . اما در عین حال، نگرانی عمیق خود را از اختلاف نظرهای پدید آمده و پیامدهایی که می‌تواند برای جریان انقلاب در گرنادا و خارج از آن در برداشته باشد، بیان کرده بود . در این پیام همچنین گفته شده بود که در کوبا، بعلمت احترام زیادی که مردم برای پیشاپ قائلند توضیح این وقایع کار آسانی نیست . سپس اظهار امیدواری شده بود که مشکلات با حد اکثر هشیاری و جدیست و اصلیت برطرف گردد .

حزب کمونیست کوبا و دولت انقلابی کوبا پیرامون رویدادهای گرنادا بیانیه‌ای منتشر ساختند . خلاصه این بیانیه به شرح زیر است :
" اکنون دیگر به روشنی آشکار گردیده است که از چند هفته و شاید از چند ماه پیش، اختلافات و برخورد های عمیقی در رهبری دولت و در حزب حاکم گرنادا وجود داشته است . موریس پیشاپ، رهبر و نخست وزیر گرنادا، از ششم تا هشتم اکتبر، به هنگام بازگشت از سفر خود به مجارستان و چکسلواکی، در کوبا بود و با رفیق فیدل کاسترو دیدار و گفتگو کرد . موضوع گفتگوها، همکاری دو کشور در زمینه‌های مختلف بود .

هیچ نقطه نظری، هیچ اصلی، هیچ موضع گیری انقلابی و هیچگونه اختلاف سلیقه‌ای نمی‌تواند این حوادث فجیع و نابود کردن فیزیکی موریس پیشاپ و دیگر رهبران برجسته مورد احترام را توجیه کند .

نگرانی کوبا، بطور عمده در این راستا بوده که درگیرهای داخلی گرنادا، جنبه جبهه گیری های خونین بخود نگیرد .
چند روز متوالی، راه پرونی رفتی از این بحران پیدا نشد . اما بنظر می‌رسید که به تدریج علائمی برای یک راه حل مسالمت آمیز پیدا می‌شود .

پس از چند روز - دوازدهم اکتبر - سفارت کوبا در گرنادا، به دولت خود اطلاع داد که در گرنادا وقایعی شگفت انگیز و نامطمین رویداده و در کمیته مرکزی حزب حاکم، جدائی عمیقی پیدا شده است . صبح همان روز موریس پیشاپ، رهبران کوبا را از پیدایش اختلاف نظر های عمیق مطلع کرد و گفت می‌کوشد آنها را بر طرف سازد . او نه خواهان موضعگیری و نه همکاری کوبا، برای غلبه بر اختلاف نظرها شد . باین ترتیب او احترام عمیق خود را نسبت به سیاست انترناسیونالیستی کوبا نشان داد .

نحوه مرگ موریس پیشاپ و رفقایش باید روشن شود و اگر صحبت بر سر کشتن حساب شده و عمدی آنان باشد گناهکاران باید به سزای شایسته خود برسند .

خلق خواهان حضور پیشاپ در جریانات بود .

امپریالیسم اکنون خواهد کوشید که از این تراژدی و اشتباه بزرگی که انقلابیون گرنادا مرتکب شده‌اند سوء استفاده کند تا روند انقلابی را در گرنادا نابود نماید و کشور را از نو به زیر یوغ امپریالیستی و نواستعمار بکشد .

روز ۱۹ اکتبر، در نخستین ساعات با مصاد گفته شد که کارگران اعتصاب کردند و مردم، در خیابانها بسود پیشاپ راه پیمائی می‌کنند . گروه کثیری از راه پیمایان به سوی اقامتگاه او روان شدند، وی را از بازداشت خانگی رها ساختند . سپس گفته شد که مردم یکی از مؤسسات نظامی را نیز اشغال کردند . در اخبار گفته می‌شد که به سوی مردم، تیراندازی شده و عده ای کشته و زخمی گردیدند . ارتش موسسه نظامی را پس گرفته و عده‌ای را دستگیر کرده است . پیرامون سرنوشت پیشاپ و دیگر همراهانش در این گزارشها، چیزی گفته نشده بود .

پس از چند ساعت - بعد از ظهر - خبر رسید که مخالفان پیشاپ، در کمیته مرکزی حزب حاکم و همچنین در رهبری سیاسی، ارتش و نیروهای امنیتی اکثریت پدست آوردند و موریس پیشاپ را از رهبری حزب، عزل کردند . و در خانقاع، زندانی کردند .

با وجودیکه ما بر اثر این حوادث ناگوار، سخت تلخکام شده‌ایم دست به اقدامی نخواهیم زد که به همکاری های فنی و اقتصادی دو کشور در رشته‌های حیاتی لطمه وارد شود . اما مناسبات سیاسی ما با مسئولان جدید مورد تجزیه و تحلیل جدی و عمیق قرار خواهد گرفت .

بعد از ظهر، نتایج این رویداد های غم انگیز معلوم شد . یک اعلامیه رسمی صحبت است از مرگ موریس پیشاپ، نخست وزیر، اونیسیوس ویتن وزیر امور خارجه، ژاکلین گرفت وزیر آموزش و

چون صحبت بر سر یک امر داخلی بود، حزب و دولت کوبا، بطیرم دوستی با پیشاپ و اعتماد عمیق به کفایت و لیاقت رهبری او به سفیر خود دستور داد اصول و قواعد سیاست انترناسیونالیستی کوبا را بدقت رعایت کند و از هر گونه مداخله در امور داخلی حزب و دولت گرنادا خودداری نماید .
روز ۱۵ اکتبر، رفیق کاسترو پیامی برای کمیته

«انقلاب فرهنگی»، ارتجاع، جانشین، سیاست فرهنگی، امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

کتاب و شلاق و شکنجه و زندان و اعدام می‌کوشد در تمام زمینه‌ها، سیاستی ارتجاعی را مسلط سازد که حافظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکسی است و موجب عقب ماندگی بیشتر و محو کامل شخصیت ایرانی مردم سرزمین ماست. امروزه همه کس از آن دارد که تمام زشتکاریها و جنایات در میهن ما، بنام مذهب انجام می‌گیرد در چنین شرایطی تعیین دقیق مرز مبارزه، بنحویکه به اعتقادات مذهبی توده مردم بی - حرمتی تلقی نشود و در عین حال جنايتكاران پنهان شده در زیر پوشش مذهب رسوا گردند، کاریست بس دشوار.

پیکار برای حفظ منافع مردم زحمتکش ایران و فرهنگ اصیل ایرانی، خواه ناخواه منجر به رویارویی و افشاکاری علیه معاصر مکتب و معممی خواهد شد که خواه با صداقت و از روی حسن نیت و خواه از روی غرض و سوء نیت، میهن و مردم ما را به منجذاب نظام بهره کشی عقب مانده و بی دانشی و بی‌خردی قرون وسطائی بر می‌گرداند. اما این پیکار نباید بمشابه مبارزه علیه مذهب تعبیر گردد. همانطور که گفتیم احترام به مذهب و باورهای مذهبی ربطی به مبارزه علیه تسلط سیاسی عناصری سرترجیح و چه بسا جنايتكار بر شئون مختلف جامعه ندارد. ما کمونیست‌ها همچنان به باورهای دینی توده مردم احترام می‌گذاریم و آنرا امری شخصی، تلقی می‌کنیم.

انگیزه نوشتن این مطلب سخنانی است که آیت‌الله ربانی املشی در مراسم بازگشائی دانشگاه علم و صنعت ایراد کرده است. صحبت بر سر شخص آقای ربانی املشی نیست. صحبت بر سر نظریاتی است که ایشان مطرح می‌کنند. نظریاتی که تقریباً مجموعه «روحانیت حاکم بر کشور ما» با اندکی تفاوت پیوسته آنرا تکرار می‌نمایند. آقای ربانی املشی طی سخنان خود می‌گوید:

«ما فیزیک و شیمی را می‌خواهیم، ریاضی و طبیعی را می‌خواهیم. اما این علوم را اگر غربیها یا روشنفکران شرقی و غربی تدریس کنند و ضمن تدریس ما را از محتوای اسلامی خالی کنند، نمی‌خواهیم.»

سابقاً بزرگان ما می‌گفتند:
«مرد باید که گیرد اندر گوشت و روشتت پند برد یوار»

اینک آقای ربانی املشی و امثالهم چنان گرفتاری اعتدالی به استحکام عقاید خویش‌اند، که از هر روشنفکر غیر مذهبی وحشت دارند و حاضراند اصولاً از علم و صنعت صرف‌نظر کنند و بدوران جاهلیت باز گردند، ولی به عنصری بدل نشوند که خارج از محدوده تفکر قشری آنان باشد. سپس، ایشان در جهت ادامه توضیحات

مدلسل تری می‌افزاید:

«من اگر پروفیسور شدم در این دانشگاهها و اگر اختر شناس شدم و اگر در علم و صنعت پیشرفته شدم در دانشگاههای غرب زده بتوانم هواپیماهای قاره پیما و جت‌ها و ات‌م (۱) بسازم و اید، من شرقی و غربی باشم و روح و روان من هم اینطور شده، نمی‌خواهم این هواپیماها و جت‌ها، و هدایت‌کننده‌های ساخته شده این دانشگاهها هرگز به خون شهدای ما احترام نمی‌گذارند و کسانی هستند که بر سر ما بمب می‌ریزند.»

فی الواقع اظهار نظر جدی در مورد اینگونه بیانات آقای ربانی املشی و امثالشان که «داوطلبانه» آمده‌اند تا کشور ما را هدایت کنند و از «شرق و غرب» بی‌نیاز سازند، کار آسانی نیست. زیرا بیانات ایشان به خواب آشفته و کابوس بیشتر شبیه است، تا سخنان یک دولتمرد مسئول!

از برخورد عامیانه و سطحی آقای ربانی املشی به علوم، که ظاهراً نامهای آنها را فقط در سطح دبیرستانی می‌شناسد و در «بیانات» خود، خطاب به دانشجویان دانشگاه، هنوز از فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی بطور کلی نام می‌برد، می‌توان بی‌برد، که ایشان متأسفانه از داشتن یک تصور حداقل روشن و دقیق از علوم معاصر محروم است و شاید چنین می‌پندارد که هواپیماهای قاره پیما و موشک‌ها و شمارگرهای الکترونی را با آموختن فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی در دبیرستان می‌سازند.

متأسفانه این ضعف مشترک اکثریت قریب به اتفاق دولتمردان محترمی است، که به نام مذهب اهرم‌های حکومتی را در دست گرفته‌اند. و گرچه همه آنان مصرف‌کنندگان پرورهای محصولات کشورهای الحادی در خانه و خیابان و محل کار و حتی در جبهه‌های جنگ هستند، اما تصور روشنی از علم و صنعت دنیای کنونی ندارند.

البته این هنوز جنبه «وحشتناک ناآگاهی و عقب ماندگیشان را نمایان نمی‌سازد. عیب اصلی کار اینجاست که این مدعیان علم و دانش، از دانش و خرد وحشت دارند و حاضرند از همه علوم معاصر، حتی در سطح دبستان و دبیرستان صرف‌نظر کنند تا گویا ضمن تدریس از محتوای اسلامی خالی نشوند. امروزه هر آدم درس خوانده‌ای می‌داند که خواه ناخواه، آموختن عمیق و دقیق دانشهای امروزی، نیاز به انسان‌های آزاداندیش دارد. نمی‌توان در عین حال هم منطقی و علمی اندیشید و هم ضد آن بود. اگر می‌خواهیم با تکیه بر علم هواشناسی، تخمیرات جوی محیط‌خودمان را با استفاده از وسایل امروزی پیش بینی کنیم، دیگر نمی‌توانیم «مرسل - الریاح» را باعث توفانی شدن هوا بدانیم و

برای مبارزه با خشکسالی به صلی برویم. اگر می‌خواهیم جلوی مرگ و میر زنان باردار و نوزادان را با تکیه بر دانش پزشکی بگیریم، باید به مراحل رشد جنین در رحم مادر برخورد علمی بکنیم و دیگر نمی‌توانیم مدعی شویم که جنین یک بچه در شکم مادرش با مادر خود بهنگام تنهائی او راجع به معنویات صحبت می‌کرده است!

آبادر دنیای معاصر می‌توان از علم و صنعت صرف‌نظر کرد؟

دانش و فن و فرهنگ معاصر چه در زمینه علوم دقیقه و چه علوم انسانی، جز با ایجاد محیط تفکر علمی و تحقیق آزاد قابل گسترش نیست. هرکس که بیم آن دارد هنگام آموختن فیزیک و شیمی و ریاضی در عقایدش متزلزل راه یابد، ناگزیرست از آموختن علم، صرف‌نظر کند. اما امتناع از فراگیری علوم در مقیاس کشوری، به معنای محکوم کردن ملت به وابستگی برده وار همیشگی هم هست.

آقای ربانی املشی اعتراف می‌کند، که عمر پیدایش مدارس جدید در کشور ما، هنوز از عمر خود ایشان بیشتر نیست. ولی علت عقب ماندگی ما را نه در این تأخیر چند صد ساله، بلکه فقط در این می‌داند که «افزادی مثل نپاوندی نمی‌خواستند ما مخترع و اهل صنعت و اختراع بشویم.»

چنین ادعائی البته فقط گوشه‌ای از واقعیت است. در حالیکه عقب ماندگی ما، درست مربوط به آن قرن هائی است که «مکتب خانه‌ها» در کشور حاکمیت مطلق داشته‌اند و اثری از آثار علوم و صنایع جدید وجود نداشته است. و بر عکس آنچه که آقای ربانی املشی در بی‌اثبات آنست پیدایش همین مدارس جدید و ایجاد دانشگاهها بوده، که برغم تمام نقایص خود، امکان داد ما از قافله تمدن بکلی بریده نشویم و لنگ لنگان از پی‌اش گام برداریم.

ببینید خود آقای ربانی املشی چه می‌گوید: «ابتدا که قرار تأسیس مدارس جدید پیش آمد، شاید شما هیچکدام در آن موقع وجود نداشتید. من کاملاً در جریان نبودم و مقداری شنیدم. وقتی قرار شد مدارس جدید بکار بیفتند، مسلمانها به تکاپو افتادند که چه خواهد شد و مسلمانهای بیدار راه را می‌شناختند و وقتی دیدند زیر کاسه اجتماع نیم کاسه ایستت به علمای عظام مراجعه کردند. «آیت‌الله العظمی نائینی که در صدر مشروطیت کتاب تنبیه‌الامه را نوشته بود، در باره این مدارس فرمودند: «صلیبی‌ها مدتها بوده که می‌خواستند امت اسلامی را به زیر یوغ استعمار در آورند و در اختیار بگیرند از هر راهی وارد شدند، نتوانستند نتیجه کامل

گیتا علیشاهی ، توده‌ای که با «منطق سرپین گلوله» شهید شد!

پنجمین روز ماه گذشته ، باد و مین سالروز شهادت معصومه رفیق گیتا علیشاهی ، صادف بود . گیتا ، شهید شد و یکبار دیگر کذب ادعا های تو خالی سردمداران چ ۱۰۱۰ را که فریاد های " انسان خواهانه " و از سر " عطفست اسلامی شان " گوش فلک را کر کرده ، پسر مستند اثبات نشاند .

گیتا ، شهید شد و با مرگ خود ، چهره کراهتبار و ضد انسانی رژیم را ، رسوا کرد .

گیتا ، شهید شد و با پیکر خونین و بیجان خود ، منطق مجاب کننده های "راکده در اطلاق های تشیت و بند های ۳۰۰۰ چ ۱۰۱۰ بکار برده می شود ، بر ملا ساخت .

اینکه ، این فریاد پرطنین و بی لزش " گیتا " ست که با صدای مرگ خود ، حقانیت راه و مشی ای کسب برگزیده بود ، ثابت می کند و توحش بی حجاب و بهیچیت جنون زده " حاکمان چ ۱۰۱۰ را عریان می نمایاند .

کسانی که هنوز ، با نفیر مسموم خود ، نعره می زنند که در زندانهای چ ۱۰ " منطق " و " آموزش و تہذیب " حاکم است و " از شکنجه هیچ خبری نیست " ؛ در برابر این فریاد رسواگر ، چه پاسخی دارند ؟!

کسانی که با وقاحت ادعا می کنند ، در باغشاه

های تعمیر شده " چ ۱۰ ، " سخن " به جای " شوک الکتریکی " و " آموزش " به جای " گلوله " سری می کند ، چگونه قادرند طنین افشاگر این فریاد را خاموش سازند ؟!

به چگونگی شهادت رفیق شهید مان ، نگاہی بیندازیم :
رفیق گیتا علیشاهی روز یکشنبه ۵ مهر ماه ۶۰ ، هنگامی که برای گرفتن جواز تدریس در کلاس های سواد آموزی عازم مرکز بسیج سواد آموزی بود ، در حوالی خیابان وصال اشتباها دستگیر شد . اتهام واهی دستگیری گیتا ، شرکت در تظاهراتی بود که گویا چند دقیقه پیش در آن محل برگزار شده بود . " گیتا " نیمه شب همان روز پیش از آن که مجال یابد بیگناهی خود را اثبات کند ، به جوخه اعدام سپرده شد .

خبرهای پراکنده ای که از آخرین دقایق زندگی " گیتا " به دست ما رسیده ، مبارکسوی حماسای بی ادعا و شورانگیز است ، که جاذبه آن در سادگی آن ، و معصومیت آن ، در فساداری ناب آنت است . " گیتا " وقتی مطمئن شد که لحظه مرگ فرا رسیده ، فریاد زد :

— من توده ای ام و توده ای نمی تواند در جیبه مخالف انقلاب باشد .

اما این برهان قاطع بیگناهی ، بدون جواب ماند و نهال جوان حزب ما ، در وصیت نامهای که آن را " به نام انقلاب بزرگ ایران و حزب توده " ایران " آغاز کرد ، خطاب به خانواده نوشت :

" تنها وصیت من این است که هرگاه نشانی از حزب عزیزم که تنها دلخوشی من در زندگی بوده ، دیدند و وقتی انقلاب را شکوفان تر یافتند ، یادی از این حقیر هژادار کنند " .

" پاینده یاد انقلاب بزرگ مردمی ایران ، ... ، باید از یاد حزب پرافتخار ارانی " .
یک شاهد عینی نقل کرده است :

" حوالی نیمه شب جمعی را از دیگران جدا کرد ندوبه حیاط اوین بردند . " گیتا " در میان آن ها بود وقتی صدای پای آن ها قطع شد و پیش از آن که صغیر گلوله ها در سکوت شب بپیچد ، نخست مردی شعار داد :

— زنده باد فدائیان اکثریت !

و فریاد " گیتا " که طنین عجیبی داشت ، گوش ها را پر کرد :

— زنده باد حزب توده " ایران !
هیچ لرزشی در صدايش نبود .

بکلی بیگانه باشد و هیچ ندای مخالفتی از گسوی آنها بر نخیزد ؛ امپریالیسم بازگشت قطعی و جبران ناپذیر انقلاب را می طلبد . و به " سبب اندکی ! " که به او اعطا شده ، دلخوش نیست . حاکمیت راستگرایان چ ۱۰۱۰ ، با حرکت از منافع چهارلوگران داخلی و خارجی ، تمام نیرو های ضد امپریالیستی و مردمی را در میهن ، به بند کشیده و سیاست دوری و دشمنی باد وستان و حامیان خارجی اش را در پیش گرفته است . ایران که می توانست با تقویت نیروی مردمی در داخل ، و همبستگی و ایجاد جبهه وسیع ضد امپریالیستی با کشورهای مترقی منطقه ، هر سیاست توطئه گرانه امپریالیستی را نقش بر آب سازد ، در نتیجه " چرخش به راست در حاکمیت چ ۱۰۱۰ " به همسویی با امپریالیسم گرویده و در جهت تحقق اهداف و نقشه های آن عمل می کند .

باید در مقابل این توطئه های جدیدا امپریالیسم آمریکا هشیار بود . خطر امپریالیسم آمریکا برای ایران و منطقه باقی ، جدی و فوری است ؛ باید تمام نیروها را علیه این توطئه های شوم امپریالیستی بسیج کرد . وظیفه " تمام نیروهای " که هنوز به آرمانهای انقلاب مردمی میهن وفا دارند اینست که با افشای توطئه ها و تهدیدات امپریالیستی با تمام ابعاد و در هر شکل آن ، جبهه مقاومت ضد امپریالیستی در میهن مسا را تقویت کنند . نیروهای انقلابی و مردمی در میهن ما وظیفه دارند که نگذارند ایران به آلت دست امپریالیسم آمریکا برای پیاده کردن نقشه های شومش در منطقه بدل شود !

خطر امپریالیسم آمریکا برای منطقه حتمی و جدی است!

بقیه از صفحه ۱
— و همچنان بر استقرار موشکهای هسته ای میان برده ، بمنظور کسب برتری استراتژیک هسته ای ، پای می فشرد ؛ و در منطقه :

— کانون های تشنج و درگیری را در لبنان مشتعل تر می سازد ؛

— ناوهای جنگی خود را به سوی خلیج فارس اعزام می دارد تا در معیت ناوهای انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی ، موقعیت رژیم های ارتجاعی منطقه را تثبیت بخشد ؛
— با کشورهای عضو " شورای همکاری خلیج " ،

مانور نظامی " سیر جزیره " را برآه می اندازد ؛
کشورهای عربی خلیج را ، با همکاری هم پیمانان ناتوی اش ، مسلح تر می سازد ؛

و در ایران به دست مدافعان سیاست " انقلاب پراننداز " خود می کوشد " منافع حیاتی " خود را به پهنای ایران گسترش دهد .

در این میان ، حاکمان چ ۱۰۱۰ در همان راستای کام پر می دارند که پسند امپریالیسم است ؛
— بر شعار " آمریکا شادکن " جنگ و جنگ تا بهرزی " پای می فشردند ؛

— اهرمهای اقتصادی — سیاسی — قانونگرای را هر چه بیشتر به " دستان پر قدرت " کلان — سرمایه داران می سپارند ؛

— امکانات فنی و وام و " پاسدار " در اختیار " خان های به وطن بازگشته " قرار می دهند ؛
— هر ندای حق طلبانه و عدالت جوینانه " نیرو های هنوز پای بند به آماجهای انقلاب را در گلو خفه می کنند ؛

— یورش همه سویای را به اصول مترقی قانون اساسی ، زیر نام " کنار گذاشتن اختلافات تدارک می بینند ؛

— مردم دلسوخته و به جان آمده " ما را از یاری سیاسی نیروها و سازمانهای مدافع مناسفح آنان محروم می سازند ؛

— و میدان را برای غارت بی بند و بار امپریالیسم و نوجهایش — محترکان و گران فروشان — بسی — حریف می کنند ؛

آیا این به معنای هم سوئی با امپریالیسم نیست ؟

با این حال هنوز هم این امپریالیسم آمریکا است که نسبت به " کرنش " ها و " دریغ سبز نشان دادن " های سردمداران چ ۱۰۱۰ بی اعتناست ؛ امپریالیسم ایران را ، به حد تمام و کمال می خواهد ؛ با تمام چاههای نفت ، ذخائر انرژی ، معادن بی شمار و کشف شده و نشده ...

و با مردمی آرام ، سر بزر و مطیع خواستهای او ، که با واژه های " حق " ، " آزادی " و " استقلال "

از "نوید"، پیام‌وزیم! سیر و سرگذشت سازمان زیرزمینی "نوید"

بزرگترین حماسه امروز، تدارک پر حوصله و بی‌گیر فردائی است که در آن قهرمانان مژوی خلق، جای خود را به خلق قهرمان می‌دهند. برای این فردائی پر برکت، چه بدری نیرومند تر از تئوری مارکسیسم انقلابی؟ و مارکسیسم واقعی در مبین ما مگر چیزی جز سرشناسی نبرد پهلوانی حزب توده؟ ایران است...؟

مرکز حزب این عزم را تهنیت گفت و از طریق راد یو پیک ایران پیشنهاد کرد:

" نام نوزاد را " نوید " بگذارید. او به استقبال وظیفه دشواری می‌رود "

و نخستین شماره " نوید " در اوایل دی ماه همان سال در تهران منتشر شد.

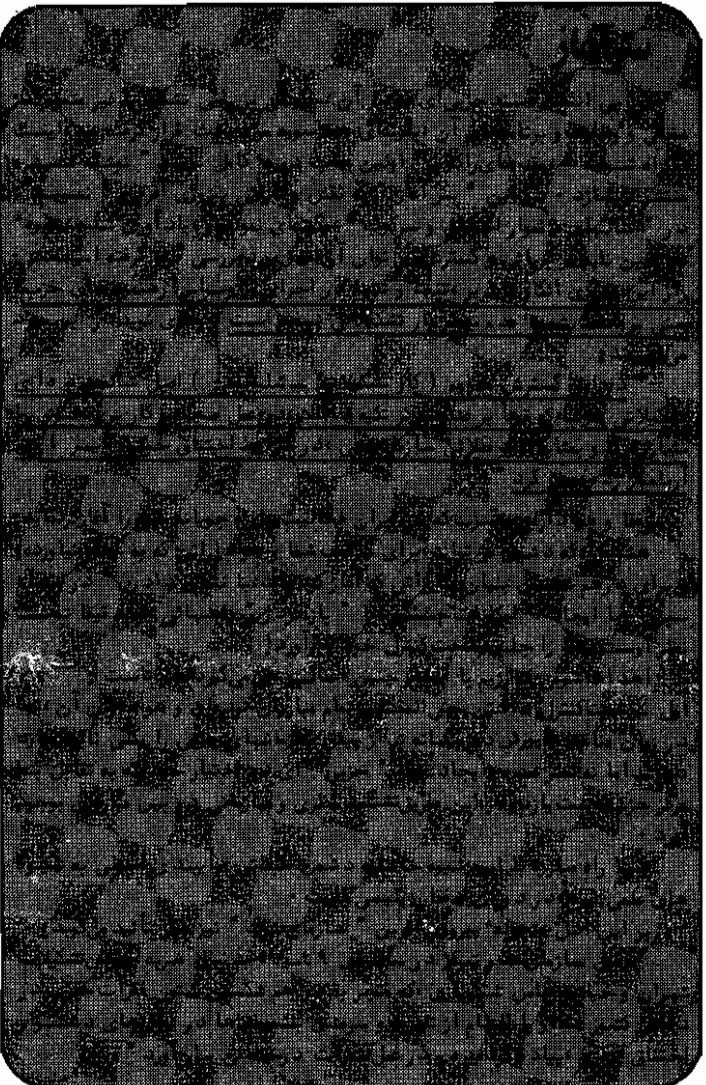
" نوید " در آغاز فصل نامه بود و در حجمی بین ۱۴ تا ۲۲ صفحه تنظیم می‌شد. با ابتدائی ترین وسایل دستی پلی‌کپی می‌گردید و در تیراژی در حد و د هزار شماره تنها در تهران پخش می‌شد. اما پس از چند شماره، " نوید " به صورت ماهنامه درآمد و با انتشار هر شماره، علاوه بر بهبود سربخ کیفی و فنی، چند صد نسخه به تیراژ آن اضافه شد. این روند، تا هنگامی که فعالیت راد یو پیک ایران متوقف شد، ادامه یافت.

با خاموشی موقتی صدای حزب، وظیفه " نوید " براتب سنگین تر شد و به حکم ضرورت جدید، تاریخ انتشار آن بصورت هفتگی درآمد و برحسب مقتضیات سیاسی و نیازهای روز، گاه دو تا سه شماره در ظرف یک هفته منتشر می‌شد. این ضرورت جدید، روی افزایش برق آسای تیراژ تأثیر عمده داشت و امر به خوبی خود به ایجاد مراکز متعدد چاپ در تهران و شهرهای بزرگ دیگر منجر شد.

" نوید " در طی سه سال و سه ماه فعالیت مستمر زیر زمینی خود، راهی در راز پیوند نیرو و ذکاوت او، تجربه غنی سیاسی و سازمانی حزب بود، اما حتی این پشتوانه محکم قادر نبود تمامی مخاطرات را کنار بزند و یا حتی از تکرار پاره‌های شکست‌ها و اشتباهات به زمین خوردن‌ها و زخم برداشتن‌ها، که در جریان کسار ناگزیر است و تنها با تجربه شخصی قابل درک و جبران است، پیش‌بگیرد. این پشتوانه تجربی، که به صورت رهنمودهای حزبی در اختیار سازمان نوید قرار می‌گرفت، تنها می‌توانست تلفات و ضایعات را به حداقل برساند و هوشیاری و ابتکار گردانندگان " نوید " را صیقل دهد و تیز کند. کشف یک مرکز چاپ در اصفهان و دو مرکز توزیع " نوید " در تهران و اصفهان و دستگیری تری چند از اعضای فعال سازمان، که البته تعداد آن‌ها از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد، ضربه‌هایی بود که توسط ساواک بر پیکر " نوید " وارد آمد. اما این ضایعات، با توجه به دامنه گسترده‌ای که " نوید " برای حضور و مبارزه خود در بسیاری از نقاط کشور فراهم آورده بود و نیز با توجه به تیراژ روز افزون آن که در آستانه انقلاب به ۱۰۰ هزار شماره و پس از آن به ۲۴۰ هزار شماره رسید، کمترین صدمه‌ای بود که می‌شد انتظار داشت.

راز بقا و تداوم " نوید " در خونین‌ترین و افسارگسیخته‌ترین دوران یورش و پرخاش رژیم " شاه - ساواک " در درجه نخست سازماندهی آن بود. شبکه پخش " نوید " در تهران و شهرستان‌ها اغلب از زنده‌ترین فعالین حزبی بودند. اکثر آنها مسئول بالاتر خود را جز با اسم مستعار نمی‌شناختند. محل و ساعت ملاقات آنها، با علائمی که روی تیرهای چراغ برق، یا کیوسک‌های تلفن و دیوار مناطق خاص ترسیم می‌شد، تعیین می‌گردید. قبل از آنکه رفقا بر سر قرار خود حاضر شوند با همین علائم سلامت خود را اطلاع می‌دادند و هرگاه احیانا خطری پیش می‌آمد، با خارج کردن رفیق که در معرض تهدید بود از زنجیره ارتباطات، امنیت شبکه‌ای که با او در رابطه بود، تأمین می‌شد. اینگونه افراد که ردپائی از آنها وجود داشت، مدتی مدید یا برای همیشه از شبکه تناس گسری و پخش کنار می‌رفتند و به مراکز پنهان فنی و چاپ منتقل می‌شدند. در صورتی که ضربه ناگهانی وارد می‌آمد و یکی از فعالین بدام ساواک می‌افتاد، با حذف تنها حلقه ارتباط اوپسا سازمان، هرگونه خطری برای دیگران منتفی می‌شد.

با این پیش‌بینی‌ها و تمهیدات بود که سازمان نوید توانست علاوه بر ایجاد یک شبکه سراسری اطلاعاتی و خبرگیری، میلیون‌ها نسخه روزنامه نوید و سدها هزار جزوه و نشریه حزبی را، که از خارج به کشور وارد می‌کرد، در مراکز و مواضع مختلف اجتماعی پخش کند. ساواک برای درهم شکستن سازمان نوید دام‌های مختلفی گذاشت، اما اکثر تیرهای او به سنگ خورد. بارها موتور سواران ساواک محلات و مناطقی را که اغلب " نوید " در آنها توزیع می‌شد، محاصره کردند. اما نویدی‌ها



بررسی سیر و سرگذشت " نوید "، تنها نشریه زیرزمینی آخرین و دشوارترین سال‌های اختناق و سرکوب، تنها گشودن دریچه بروی خاضرات یک رزم پیگیر مرگ و زندگی نیست. این بخشی از تاریخ مقاومت خلق ماست که مانند همه نبردهای سیاسی و توده‌ای، تجربه‌ها و آموزش‌های پربهایی با آن آمیخته است.

" نوید " در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که توحش بی‌حجاب و بی‌پروایی تروریسم سازمان یافته دولتی به اوج و جنونی رسیده بود که حتی در ابعاد جهانی کمتر نظیر داشت. خواندن یک کتاب منوع، نوشتن یک شعار به دیوار، پخش چندتا اعلامیه، علاوه بر جنبه‌های جسمی و روحی، عقوبتی در حد زندان ابد و گاه اعدام داشت. برای اینکه آمار اعدام‌های بیدریغ و سخاوتمندانه دادگاه‌های نظامی، که روی دوشمیرترین حکومت‌های معاصر را سفید کرده بود، از حد نصاب تکان دهند، مای که داشت بالاتر نرود، اینگونه مبارزان یا صحنه‌سازها و حادثه آفرینی‌های تکراری در کوچه و خیابان‌ها قتل عام می‌شدند.

در پائیز سال ۵۴، گروهی که بعدها بنام " نوید " شهرت یافت و به بزرگترین سازمان مخفی حزب تبدیل شد، به مرکز حزب در خارج از کشور اطلاع داد که آمادگی‌های لازم را برای انتشار یک روزنامه سیاسی افشاگر، تدارک دیده است. این رقفا نوشته بودند:

" بگذارید بذرهای اصلی را در زمینی که سر نیزه آنرا شخم می‌زند، بپاشیم "

«، در سالهای دشوار اختناق و سرکوب»

به تجربه دریافته بودند که هم ریز و ساعت پخش روزنامه و هم محل توزیع آن نباید تابع قاعده شخصی باشد . بعضی اینکه در يك محله کارگری روزنامه یا جزوه و شبتاه پخش می شد، میدان فعالیت باید بلافاصله به منطقه دور دستی منتقل می گردید و تا مدت ها از این محله پرهیز می شد . وقتی شهر به مناطق مختلف تقسیم می شد و مسئولیت پخش در هر منطقه برعهده رفیق خاصی بود، تنظیم این برنامه دشواری نداشت .

اما برای پخش، که خطرناکترین وظیفه سازمان بود، از راههای دیگری هم استفاده می شد . استفاده از پست معمولی ترین و بی خطرترین راه بود . بیش از هشتاد درصد این پاکت های پستی به سلامت به مقصد می رسید . يك شیوه دیگر قراردادن بسته های چند ده تایی روزنامه و اعلامیه در محلات شلوغ، یا مراکز کارگری و دانشجویی، یا جلوی در خروجی سینماها بود . در اغلب این موارد، هر عابر یا حاضر بیش از يك نسخه بر نمی داشت و عمل پخش بطور طبیعی و با استقبال عطشناک مردم انجام می شد . مسئولان شبکه پخش از طریق سمپات ها، نیز که رابطه تشکیلاتی نداشتند، به امر توزیع روزنامه ها و گسترش و عرضه آن یاری می رساندند . برای سمپات های حائز شرایط يك یا چند بسته روزنامه فرستاده می شد و پخش آن طلب می گردید . در صورت ابراز علاقه این همکاری غیر مستقیم، سه میسه پخش را افزایش می یافت و اویی آنکه رابطه خود را بشناسد و یا حتی برای یکبار ببیند، ظرفیت و امکانات خود را با علائق که در نقاط و مواضع مقرر تصویر می کرد، اخلاص می داد .

جز این روابط اندک بفرنج، که ناگزیر مسایل و دشواری های بسیار نیز بسیار می آورد و چه بسا از سرعت و جایکی سازمانی می کاست، امکان ادامه کار در سطحی وسیع وجود نداشت . تماس های یکطرفه و محدود، به امر آموزش اعضا و فعالین سازمان صدمه می زد، اما همه این نقصان ها و ضعف ها در قبال فواید و امتیازات آن قابل تحمل و کاملاً بصرفه بود . رهنمود مرکز حزب چنین بود :
" امنیت سازمان مبرم ترین و اصلی ترین مسئولیت است . در عین حال ایمنی مسئولیت نباید چنان یکطرفه صده شود که فقط " بودن " مطرح باشد و " چگونگی بودن " فدای آن نشود . "

" نوید " در رشد کمی و کیفی خود، تشکیلات سیاسی خویش را نیز گسترش و قوام داد . تجربه لنینی توسعه و تحریک سازمان حزبی و یکدستی و هماهنگی ایدئولوژیک سیاسی آن، بر محور انتشار يك روزنامه سراسری، در مقیاس کوچک تر، توسط " نوید " تأکید شد . بر گرد " نوید " شبکه پیچیده ای از خبرنگاران، پخش کنندگان و سازمان دهندگان پدید آمد و با استعداد سرشاری به رشد و نمو پرداخت . در این گسترش مداوم، اصل شالوده های تشکیلاتی حزب، که قویا بر دم تمرکز تکیه داشت، در عمل صحت و کاربری خود را نشان داد و پناه به کلید طلایی سازماندهی در شرایط اختناق، خویشمار ایران آریامر زده، عمل کرد . هیچیک از شبکه های " نوید " مستقیماً با هم تماس نداشتند، در حالی که اعضای يك شبکه نیز، که زنجیروار بهم مربوط بودند، اکثر نام و نشان واقعی یکدیگر را نمی دانستند . اصل سازمانی عدم تمرکز از سال های ۴۹-۵۰، پد نیال ضریبه خوردن تشکیلات تهران و خیانت بیاس شهر یاری، که منجر به در هم شکستن ستون فقرات حزب در داخل کشور شد، و با الهام از تجربه و سرمشق بلشویک ها در سال های دشوار اختناق تزاری، پیاده گردید و در عمل ثمرات درخشانی بیار آورد، چنانکه در سند حزبی " حزب سوده " ایران در عرصه سیاست روز " آمده است :
" ما بر اساس شیوه جدید، یعنی سیستم غیر متمرکز، توانستیم سازمان ها قی را که بوجود آمده، از چنگ ساواک، که نیرومند ترین مرحله حیات خود را در دهساله اخیر می گذراند، حفظ کنیم . در این دوران هیچیک از گروه های ما به چنگ ساواک نیفتاد . ما گروه های بسیار تشکیل دادیم و اینها غیر از گروه های است که بدون ارتباط با مرکز حزب در ایران بوجود آمدند و توانستند خود را حفظ کنند . ما در آستانه انقلاب بیش از ۶۰ گروه حزبی با مقیاس های مختلف داشتیم . از گروه های کوچک گرفته، تا گروه ها و سازمان های بزرگ، که بزرگترین آنها سازمان " نوید " بود . (حزب سوده " ایران در عرصه سیاست روز، ص ۲۵)

دستاوردهای " نوید " در عرصه تشکیلاتی با موفقیت چشمگیر در زمینه افشاگری و تبلیغ و ترویج، ملازم بود . در حالی که روزنامه ها و تلویزیون، با آوی و جغد آسا برای سفاک ترین و سرسپرده ترین رژیم جهان تنها بیه و چهچه می گفتند و " جزیره ثبات آریامهری " را بهشت بی بدل زمینی معرفی می کردند و حتی

جرقه های گذرا از آتش فشان عصیان و نبرد خلق به ظلمت کده این بلندگوها و دروغ بافان راه نمی یافت، " نوید " در شکستن دیوارهای سانسور و اختناق نقش بسزایی داشت . تنها در ۱۰ شماره اولیه " نوید " ۹۸۰ خیر مکتوم نگهبان داشته شده . در باره تظاهرات و اعتصابات کارگری، ۱۰۵ خیر در باره مبارزات دانشجویی، ۲۱ خیر در مورد زندان های سیاسی و مبارزات و مسایل زندانیان و ده ها خیر و ماجرای سری در باره ارتش، سیاست خارجی، مبارزات خلق، فساد و تاراج دربار و طرح ها و نقشه ها و جنایات ساواک به چاپ رسید . در گورستان دیکتاتوری، هر خیر، بشکهای باروت است . حکومتی که چهره خود را با دروغ و سفسطه و ریا و تحریف بزرگ می کند، بطلبه مویایی کهنهای است که نسیم واقعیات آنرا از هم می پاشد .

رژیم شاه که بزرگترین دروغ تاریخ میهن ما بود، " نوید " را چون خاری در چشم خود می یافت . از اینرو برای یافتن سر نخ که او را به کانون های اصلی " نوید " هدایت کند، در چند هجوم وسیع پارامی از توده های های قدیمی و عناصری را که تعالیات توده های داشتند و یا احساس می شد که چنین گرایش هایی دارند، دستگیر کرد . اما هیچیک از این تیره های تصادفی هم که در تاریکی رها شده، به هد ف اصابت نکرد . شبکه خبری و اطلاعاتی " نوید "، که زوین زهر آلود آن بود، نه تنها در مناطق مختلف کشور امتداد می یافت، بلکه به تدریج عمیق تر در مواضع و مراکز حساس دشمن نفوذ می کرد . این نفوذ خود به یافتن دسترس بیشتر به منابع خبری و فضای آنها یاری می رساند .

در کنار این فعالیت افشاگرانه، که تند شدن نبرد انقلاب بر دامنه وحدت آن می افزود، ترویج مارکسیسم و تبلیغ تئوری علمی انقلاب از وظائف عمده سازمان بود . اکثر اعلامیه ها و اسناد و مقالات سیاسی و تئوریک حزب سوده، افسران، چه در صفحات روزنامه نوید و چه بصورت مجزا در تیراژهای نسبتاً بالا منتشر و در تهران و بیش از ۲۰ شهر کشور پخش می شد . تنها در ظرف یکسال قبل از انقلاب، سازمان نوید بیش از ۳۰۰ هزار نسخه روزنامه مردم ماهنامه، دنیا و کتب و آشکار مارکسیستی، را که مرکز حزب در خارج از کشور، بقطع کوچک و با حروف ریز حساب می کرد، در سطح مملکت توزیع کرد . از آنجا که انعکاس خیرهای منتشر شده و افشاگری ها و تفسیرهای سیاسی روز، کمتر مجال برای بحث ها و مسایل تئوریک در صفحات محدود " نوید " باقی می گذاشت، از آن جا که مبارزه ایدئولوژیک با انواع انحرافات جنبش چپ ایران، که از فقدان تئوری سالم مارکسیستی و نفوذ انواع نظرات و شبه تئورهای انقلابیگری خرد و بورژوازی، نیرومند شده بود، بصورت ضرورت مبرمی رخ می نمود، از آنجا که جنبش های خود به خود طبقاتی و صنفی توده های، در متن شرایط مساعد عینی دم به دم توانا تر می شد و افزایش می یافت و این حرکات مبارزاتی، آمیزش هر چه بیشتر با تئوری راهگسائی انقلابی را می طلبید، سازمان نوید در کنار توزیع کتب و آثار مارکسیستی، انتشار نشریه تئوریک و سیاسی " بسوی حزب " را نیز ادامه می داد .

" بسوی حزب " میراث رفیق شهید " هوشنگ تیزیانی " بود که در خفقان انگیز ترین و عقیم ترین فصل تاریخ معاصر ایران، به همت سلحشوران او منتشر می شد . با شهادت این رفیق، کار انتشار بسوی حزب نیز مختل شد، تا سرانجام مرکز حزب بر آن شده که این رسالت ناتمام را بر عهده دیگر مبارزان حزبی بگذارد و قرعه بنام " نویدی " ها اصابت کرد . مرکز حزب از رفقای " نوید " پرسید :
" حاضرید این درفش خونین را که بر زمین نبرد افتاده، دویاره به اهتزاز در آورید ؟
رفقای " نوید " پاسخ دادند :

" این افتخار بزرگی است . روح مشتعلی که در ورای نام " بسوی حزب " آرمیده است، دیگر یار در نخستین سنگرهای انقلاب، حاضر خواهد شد . بگذار بیکر فرقه در زخم و خون رفیق تیزیانی، از زیر خاک لبخند بزنند "

مسأله شالوده های اینجاست که در شرایط اختناق و سرکوب بی پروا، بایست مناسب ترین و کم ضایعه ترین شیوه تعرض و دفاع و تدارک کشف شود، و گر نه شکست یا نارسائی يك یا چند شیوه و شکل مبارزه سیاسی، به معنی بن بست مبارزات غیر مسلحانه نیست . بازوی نظامی در خدمت هدف سیاسی است و هر جا که حزب و سازمان سیاسی بصورت زنده و فرمعیات تشکیلات نظامی در آید، از مارکسیسم انقلابی تنها کاریگاتوری بر جای خواهد ماند .

آقای وزیر کار، در حرف، مدافع تشکل، و در عمل، ضد تشکل است

خواست کارگران، مشارکت فعال در تدوین قانون جدید کار است!

البته که در این مدت کارگران، نباید تحقیق خواسته‌های خود را طلب کنند و پس از آنهم، بقول وزیر کار سابق "باید صبر کرد تا پیش نویس قانون کار بر مبنای اسلام، ققاهتی تهیه شود" و ۰۰۰ خلاصه "فیلم نامه‌ای" که بارها و بارها بازی شده و صحنه صحنه آن را، همسه از پسر می‌دانند!

اما، این فیلم کند و تکراری، دیگری تماشاگری ندارد! کارگران زحمتکش و محروم ما، که تدوین فوری قانون کاری پیشرو را می‌طلبند - قانونی که اصول مترقی قانون اساسی، در آن رعایت شده باشد - آخرین مراحل "صبر ایوب وار" خود را طی می‌کنند!

آنان می‌طلبند قانون کاری که با مشارکت فعال و یاری همه سویه آنان تدوین می‌شود، قانونی باشد که کلیه کارگران شاغل در رشته‌های صنعتی، کشاورزی، ساختمان و خدمات را در بر گیرد، برای تحذیل استثمار و تأمین رفاه کارگران اقدامات اساسی به عمل آید، ساعات کار تقلیل پذیرد و در مورد کارهای سخت و زیان آور، ساعات کار از میزان معمولی کمتر باشد. حقوق اصحاب کارگران، قانونی شناخته شود. حداقل دستمزد متناسب با هزینه زندگی یک خانواده چهار نفری محاسبه گردد و همراه با افزایش هزینه زندگی و نرخ تورم افزایش یابد. دستمزد و مزایای کارگران از قبیل حق مسکن، حق اولاد و سهم سود، جز حقوق ثابت کارگران منظور شود. کار کودکان کمتر از ۱۵ سال ممنوع باشد. مرخصی و تعطیلات کارمندان و کارگران، برابر اسلام شود و برای ایام مرخصی کارگر و خانواده‌هاش محل استراحت در نظر گرفته شود و کمک هزینه استراحت پرداخت گردد.

زنان کارگر، از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند و به مناسبت انجام وظایف مادری، تسهیلات ویژه از جمله، مرخصی قبل و بعد از زایمان، مراقبت‌های دوران بارداری، محفوظ ماندن محل شغل و تأمین مهد کودک و غیره، در نظر گرفته شود. کار شبانه و مشاغل سخت و زیان بخش به زنان کارگر ارجاع نشود. شبکه کلاسهای آموزشی حرفه‌ای و کلاسهای سواد آموزی به کارگران سواد بیاموزد. تأمین شغلی منظور گردد. آموزش و بهداشت رایگان برای کارگر و خانواده‌هاش تضمین شود. مسئله مسکن کارگران با ایجاد شبکه خانه‌های سازمانی، در قبال اجاره بهای اندک فیصله پذیرد. بهداشت کار رعایت شود، حفاظت فنی در کارخانه‌ها وجود داشته باشد. کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاه بقیه در صفحه ۳

مسکن کارگران شده، مشخص کردن نحوه دخالت شوراهای اسلامی کارخانجات در امر تولید، همکاری وزارت کار با صنایع ملی، جهت تشکیل کلاسهای برای تربیت مدیران از پیسن کارگران متعهد و توانا و همچنین تخفیر ماده ۳۳ قانون کار سابق و تقویت طرح شوراها از دیگر خواسته‌های این عده بود. (کیهان، ۱۴ مهر)

آیا کارگرانی که روزهای سه شنبه، "عهده ملاقات خصوصی" به آنها می‌دهد، "مشکلاتی" غیر از آنچه اعضای شوراهای کارگری در این سمینار مطرح کردند - یا خواسته‌هایی نظیر آن را - دارند؟! آیا کارگرانی که به آنها "عهده ملاقات خصوصی" می‌دهد، از ابتدای انقلاب تا کنون، صریحاً و قاطعانه از مسئولان ج ۱۰-۱۰ خواستار "برخورد جمعی" با خود نبوده‌اند؟! آیا "تک تک" همین کارگران، هزاران بار، با صدای بلند و از پشت هر تریبونی که به زحمت به دست می‌آوردند، اعلام نکردند که: "بر پاشی نهاد های سندیکایی و شغری، ضرورت تأخیر ناپذیر انقلاب است.!"

پس این "به نعل و به میخ کوفتن" به چه معناست؟! پس این تأمل و تردید و تعویق به محصال کردن به چه معناست؟! جز اینکه مسئولین ج ۱۰-۱۰ - و به تبع آنها مسئولین وزارت کار - کمتر از آنچه که ادعا می‌کنند، به "مشکلات" و "مسائل" کارگران - و به تبع آن انقلاب - بها می‌دهند و همانگونه که در عرض این ۵ سال نشان دادند، برآنند تنها به "حرف" بسنده کنند و از این بابست دغدغه خاطری به خود راه ندهند؟! البته، ناگفته پیداست که این تنها موردی نیست که مسئولین ج ۱۰-۱۰ و آقای وزیر کار، انجام آن را به عهده "محال" واگذاشته، در مورد تدوین قانون کاری پیشرو، که یکی از اساسی ترین خواسته‌های طبقه کارگر، بلافاصله پس از انقلاب بوده و هست نیز، همانند سایر داده می‌شود خبرنگار ج ۱۰ می‌پرسد:

"وزارت کار در ارتباط با قانون کار، که از مسائل اساسی کارگری در نظام ج ۱۰-۱۰ است چه اموری و کارهایی را در نظر دارد و دنبال می‌کند؟! و آقای وزیر کار پاسخ می‌دهد:

"به اعتقاد من از وزارت کار نباید این انتظار را داشته باشیم که تدوین کننده قانون باشد." و به این ترتیب، آقای وزیر کار، چند ماهی را تدارک می‌بیند تا مسئله اینکه "چه کسی؛ زنگوله را به گردن گریه بیندازد." رفع شود و

تجربه ۵ ساله پس از انقلاب، این نکته را به مردم ما آموخته است که بین حرف و عمل سردمداران ج ۱۰-۱۰، آنچنان مغالک ژرفی گسترده است، که صبور از آن امکان ناپذیر است. این تجربه را یکبار دیگر هم می‌توان آموخت. توجه به مضمون گفته‌های آقای وزیر کار و اقدامات مهمی "که تا کنون انجام داده‌اند، و نیز تناقضی که خط اصلی در آن گفتار و این کردار است، این واقعیت خدشه ناپذیر را آشکار می‌سازد.

آقای وزیر کار، در گفتگویی با خبرنگار ج ۱۰-۱۰ از يك سو با لگنت زبان، به تعریف و تمجید از این نهاد می‌پردازد و از سوی دیگر از روی روشن شدن با نمایندگان همین شوراها، بهره‌گیری می‌کند. در حرف، از "رسمیت شناختن" شوراهای کارگری دم می‌زند و در عمل، به عنوان "اقدامی مهم" رسمیت آنان را به زیر علامت سؤال می‌برد.

آقای وزیر کار در عباراتی کلی می‌گوید: "قانون شوراهای اسلامی کار، يك قانون جامع و مفیدی است که با تصویب این چنین لایحهای امید است امر تولید پیشرفت بهتری داشته باشد" (۱۷ مهر).

و در جایی دیگر، به گزارش خبرنگار کیهان از "سمینار طرح شوراهای اسلامی کارگران" می‌گوید:

"وی در مورد، اقدامات مهمی که تا کنون پس از تصدی این مقام از سوی وی انجام گرفته است گفت: برنامه عده ما، نزدیک کردن کارگران و مسئولان وزارت کار ۰۰۰ می‌باشد و در این جهت روزهای سه شنبه را نیز در اینجانب اختصاص به شنیدن مشکلات آنها داد ما هم سعی می‌کنیم این مشکلات را رفع کنیم ۰۰۰" (۱۴ مهر).

صرف نظر از اینکه آیا باطل السحر نصیحت و توجیه و "حوصله"، تا چه میزان در رفع مشکلات "کارگران، سودمند می‌افتد، جدا از آن آقای وزیر کار به رسم اگر "شوراها" می‌توانند در امر پیشرفت تولید کمک کنند، چرا در مورد فعال کردن ۸۰ قانون شورایی ای - که به دلیل تصمیمات ضد کارگری توکلی و شرکسته از ۳۰۰۰ قانون کارگری باقی مانده - "اقدام مهمی" انجام نمی‌دهد و به جای آن که با تک تک کارگران، "عهده ملاقات بگذارد، با نمایندگان واقعی و هیئت منتخب آنان به گفتگو نمی‌نشیند و به عنوان "دومین اقدام مهم" خود، به خواسته های اعضا این شوراها که در همین سمینار هم مطرح شده، ترتیب اثر نمی‌دهد؟! اعضای شوراهای کارگری:

"خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

اعلامیه سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۳-۶۲

در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان بی‌خیزیم

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تا به آنجاست که بموجب تازه‌ترین مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش زیر عنوان " مشارکت مردم در تأسیس و اداره مدارس اسلامی غیر انتفاعی " به سیاق دوران آرمانگری دست‌پخش خصوصی برای سود- جوئی‌های سوداگرانه در امر آموزش و پرورش باز گذاشته شده است .

نگاهی دقیق تر به وضعیت نظام آموزشی کشور واقعیت اسفبار آنرا بیشتر آشکار می‌سازد . هنوز هم بطور متوسط از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۲۰ نفرشان نمی‌توانند حتی خواندن و نوشتن یاد بگیرند، از هر ۱۰۰ جوان ایرانی که بدبستان راه می‌یابند فقط ۵۰ نفرشان می‌توانند به دوره " راهنمایی " برسند و از هر ۱۰۰ نفر از آنها، ۷۵ نفرشان حتی رنگ دبیرستان را هم نمی‌بینند . البته این میانگین در روستاها و در استانهای محروم تر کشور از این هم اسفبارتر است . دروسی که در این مدارس تدریس می‌شود هیچگونه نزدیکی و مشابهتی با نیازهای واقعی کشور که راه استقلال، خودکفائی و پیشرفت را باید بیاموزد دارد . در سال ۱۳۶۰، ۸۵٪ از دانش‌آموزان متوسطه عمومی در رشته‌های نظری مشغول به تحصیل بودند که از این میان فقط ۷٪ در رشته ریاضی - فیزیک به تحصیل اشتغال داشتند از کل دانش‌آموزان متوسطه عمومی تنها ۱۴٪ در شاخه فنی و حرفه‌ای، آنهم در سطح بسیار نازکی آموزش دیدند . کارگاه، آزمایشگاه و کتابخانه در مدارس جز " اقلام لیکس " به شمار می‌روند، تنزل سطح علمی و آموزشی در مدارس بویژه در نتیجه اخراج معلمان و دبیران با تجربه و متعهد به انقلاب و با انتصاب معلمان و مدیران فاقد صلاحیت بد درجات مصیبت‌بارتری رسیده است . اکنون روش‌های تربیتی فاجعه آمیزی در مدارس کشور اعمال میشود . تنبیه بدنی که یکی از مظاهر مردود شیوه‌های تربیتی است در اغلب مدارس کشور به صورت امری رایج درآمده است . نه تنها تحصیل " همگانی و رایگان " نشده بلکه مواج تازه تری در راه تحصیل کودکان، نوجوانان و جوانان اقشار و طبقات زحمتکش و محروم پدید آمده است . از جمله این مواج یکسان کردن امتحانات ثلث دوم و سوم، د و سه گردن بی‌رویه برخی مدارس شهرهاست که اکثر کودکان و نوجوانان روستا نشین حومه این شهرها را از تحصیل محروم کرده است . جداسازی دختران و پسران حتی در کلاسهای ابتدائی نمونه دیگری از این دست است . چرا که به بهانه " فقدان امکانات برای تشکیل کلاس مجزا " دختران بسیاری از روستاها را اساساً از تحصیل محروم ساخته‌اند . اجازه ندادن به دبیران مرد برای تدریس در دبیرستانهای دخترانه که با کمبود دبیران زن در بعضی از رشته‌های علمی تعدادی از دختران را از تحصیل در این رشته محروم کرده است و انحلال کلاس‌های کمتر از ۳۰ نفر و نمونه قابل ذکر دیگر است . تنها طرحی که برای تغییر نظام آموزشی از جانب آموزش و پرورش در ۲ ساله اخیر ارائه گردید طرح کاد بود که تجربه، شکست آنرا به اثبات رساند و نشان می‌دهد شیوه " آموزشی " استاد شاگردی در کارگاه‌های کوچک با تکنیک‌های ابتدائی چقدر کم حاصل، عقب مانده و بی‌فایده در شرایط امروز جهان است . طریقه این تجربه طرح کاد قرار است در سال جاری برای دختران دانش‌آموز بشکل کارآموزی در خانه‌هایشان در رشته‌های آشپزی، گلدوزی، خیاطی و بچه داری به اجرا درآید که در حقیقت ترفندی برای خانه نشین کردن دختران دانش‌آموز می‌باشد . وضعیت اسفبار نظام آموزشی کشور باعث شده است تا تعداد افرادی که در ۲ سال گذشته ترک تحصیل کرده‌اند و یا سرد و شده‌اند - بویژه در مقطع متوسطه به ارقامی برسد که در تاریخ ۱۰ ساله اخیر آموزش و پرورش ایران بی‌سابقه است .

وضعیت آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور نیز اظهر من الشمس است . تعطیل زیانبار دانشگاهها، جامعه را از نیروهای متخصصی که می‌توانستند نقش حیاتی در بازسازی انقلابی کشور داشته باشند محروم ساخته است . نه تنها این امر انقلاب را از متخصصان جوان انقلابی محروم ساخت بلکه راه را برای تصاحب سراسر کلیدی توسط " آقازادگان " از فرهنگ برگشته هموار نمود . بر پایه یک گزارش از محرمات، آسیا و سازمان‌های جاسوسی دیگر کشورهای امپریالیستی مساعدترین عناصر را از میان ۳۰ هزار دانشجوی ایرانی که در غرب بویژه آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه به تحصیل اشتغال دارند انتخاب می‌کنند و بر طبق یک برنامه حساب شده زیر نفوذ خود در می‌آورند، سپس این عناصر را با کمک جاسوسان و دوستان خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در مراکز کلیدی و مقامات حساس می‌گمارند تا در جهت منفع و شکست انقلاب وظایفی را که به آنها سپرده شده است به انجام برسانند . هم اکنون مهم ترین وزارتخانه‌ها، پست‌های معاونت و مدیریت کل در بیشتر وزارتخانه‌ها و نیز مدیریت عمده ترین موسسات

در آستانه پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب قرار داریم . میلیونها تن از کودکان، نوجوانان و جوانان در سراسر میهن ما خود را برای سال تحصیلی جدید آماده می‌کنند، آنان با بیم و امید به روزهای آینده می‌اندیشند و بر آنند که تلاششان برای کسب علم و دانش و مبارزیشان در راه تحقق آماجهای انقلاب پر ثمر و بهروری آفرین باشد . سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌هایشان، به همه فرهنگیان زحمتکش و دانشگاهیان ترقیخواه میهن شادباش میگوید و سال پر ثمر، و موفقسی را برایشان آرزو می‌کند .

دانشی آموزان! دانشجویان! جوانان زحمتکش!

صفحات درخشانی از تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهنمان از جمله با فدائیکامیابان حماسه آفرین شما در به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، در راه پیشروی انقلاب بزرگ مردم ایران و حفظ دستاوردهای آن آذین یافته است . بسیار کسان از میان شما در شمار نخستین شهیدان انقلابند که همسرگ با شوه‌های دهها میلیونی مردم زحمتکش ایران، در راه نبل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی شهادت رسیدند . جوانان زحمتکش، انقلابی و ترقیخواه ایران در تمام صحنه‌های پیکار برای تعمیق انقلاب با فدائیکامیابان علیه دشمنان انقلاب و مردم مبارزه کرد ماند . تصادفی نیست که در تاریخ ۵ ساله انقلاب ایران تسخیر لانه جاسوسی شیطان بزرگ، آمریکای جنایتکار که نقطه مطفی در زرفش جنبه‌های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ماست بنام دانشجویان مسلمان و دگراندیش مدافع خط انقلاب به ثبت رسید . بدین تردید در آینده نیز نقش جوانان زحمتکش، انقلابی و ترقیخواه ایران در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن همچنان نقش حساس و موثر خواهد بود . بدلیل چنین نقشی است که دشمنان انقلاب با تمام توان در این راه کوشیده و می‌کوشند که انقلاب را از این منبع عظیم انرژی که بالنده، بهر شور و انقلابی است محروم سازند . امپریالیستها بسرکردگی آمریکا با کمک دوستان و جاسوسان خود و آن نیروهایی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که در راه من و شکست انقلاب گام بر می‌دارند برای گمراه ساختن جوانان سرما می‌گذارند . تخم تفرقه و انحراف را در میان آنان می‌پراکنند و در این راه میکوشند که جوانان را از انقلاب سرخورده و مایوس سازند و حتی به رویارویی با آن برانگیزند . در کنار چنین تلاشهای ردیلانه و پلیدی، آنان در تمام اموری که به حال و آینده جوانان کشور مربوط میشود دست به خرابکاری می‌زنند و به پیشبرد سیاستهای یاری می‌رسانند که حاصل آن خارج کردن جوانان از صحنه و محرومیت انقلاب از قدرت سازندگی آنانست . تاریخ ۵ ساله انقلاب ایران از چنین تلاشهای ضد انقلابی و پلیسیدی مشحون است . در این زمینه نیز تردید و تزلزل نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت در اتخاذ و پیشبرد سیاست واقع بینانه و متکی بر آماجهای اساسی انقلاب و روح ضد امپریالیستی و مردمی قانون اساسی نتایج فاجعه بار خود را بیچار آورده است . اکنون جوانان کشور در شرایط اسفباری بسر می‌برند که جدا از وضعیت تلخ و فاجعه باری که مردم و انقلاب در آن قرار دارند نیست، حال و آینده میلیون ها جوان و نوجوان ایرانی را خطر یأس، تباهی و تاریکی تهدید می‌کند . بیکساری در میان جوان پیدامی‌کند، حتی بر پایه آمار انتشار یافته وزارت کار و امور اجتماعی ۸۲۲ هزار تن از بیکاران، دیلمه‌های جوان فارغ التحصیل از دبیرستان های کشورند که هیچگاه نتوانسته‌اند شغلی برای خود بیابند . دامنه فساد و گمراهی های اجتماعی و اخلاقی در میان جوانان و نوجوانان کشور بالا گرفته است . درصد بالایی از آمار معتادان کشور را جوانان و نوجوانان کشور تشکیل می‌دهند . جنگ تحمیلی به مردم ایران و عراق که امپریالیستها، ارتجاع منطقه و راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در شعله ور نگاه داشتن آن دینفعدن بیشترین قربانی را از میان نوجوانان و جوانان کشور می‌گیرد .

نظام آموزشی کشور در تمام سطوح ابتدائی، متوسطه، عالی نه تنها دستخوش دگرگونی بنیادین در جهت تحقق آماجهای انقلاب نشده بلکه به انحطاط نرسز کشیده شده است . خالی شدن محیط آموزشی کشور از معلمان و استادان پخته سابقه، متعمر و متعهد به مردم و انقلاب که با تصفیه و اخراج های ضد انقلابی و مفرضان صورت گرفت محیط آموزشی کشور را جولانگاه عناصر نا آشنا به اصول تربیتی و کم سواد در رشته‌های علمی و بویژه وابستگان به انجمن آمریکایی - انگلیسی حجتیه ساخته است . اکنون محیط آموزشی کشور محیطی آکنده از اختناق، تنفیش عقاید، تعلق و چاپلوسی و ریا و تزویر، مخرافه پرستی و تبلیغات مسموم و تلقینات ضد علمی و ارتجاعی است . غلبه خط مدافع غارتگری سرمایه داری و سازش با امپریالیسم در

در هفته ای که گذشت:

عملیات «الفجر ۴» و بمباران دزفول و مسجد سلیمان

بد نبال حمله اخیر ایران با نام «الفجر ۴» و تصرف بخشی از خاک عراق در هفته گذشته، حکومت عراق نیز دست به عمل تلافی جویانه ای زد و دو شهر دزفول و مسجد سلیمان را بمب بموشک بست. در اثر این حمله، موشکی جنایت بار، ۱۸۰ تن از هم وطنان بیگناه ما کشته و بیش از ۵۰۰ تن زخمی شدند.

در یکماه گذشته، این دو زمین بار است که مردم قهرمان و ستدیده ما، فدا ای حمله موشکی ضد مردمی رژیم صدام می شوند. در این مهلکه، خونبار تنها مردم ایران نیستند که هر دقیقه و هر ساعت در آتش جنگ برافروخته امپریالیسم می سوزند، بلکه مردم عراق نیز محکومند با خون خود که پیهوده ریخته می شود، عطش سیری ناپذیر ارتجاع عراق و امپریالیسم جهانی را فرو بنشانند.

امروز دیگر همه بر این واقعیت صحه می گذارند که تنها امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است که از ادامه این جنگ فرسایشی سود می برد. در واقع جنگ ایران و عراق، بهانه مناسبی بدست امپریالیسم داد تا در مورد اخلی مسلسل منطقه دخالت کند، بر کانونهای آتش افروزانه خود بیافزاید، و به ارتجاع منطقه و به خصوص ارتجاع دو کشور ایران و عراق یاری رساند. رویدادهای ۳ ساله این جنگ، بر همه آشکار ساخته است که تنها زحمتکشان دو کشور ایران و عراق اند که فشارهای اقتصادی و توان فرسای ناشی از جنگ را بردوش دارند و سرمایه داران و تجار بزرگ، جیبهای خود را از سود های کلان پر می کنند. در واقع آنها هستند که از «برکت» جنگ بهره می گیرند و از همسین رو نیز فریاد های «جنگ، جنگ تا پیروزی» شان، به آسمان رسیده، آنها هستند که از «برکت» ادامه جنگ توانستند اهرمهای عده سیاسی و اقتصادی را در دست بگیرند و حکومت مستبدان را بر مسند قدرت بنشانند. در این میان، تنها توده های زحمتکش هستند که زیان می بینند و جان و مال و هستی خود را از دست می دهند و درست به این دلیل است که خواستار پایان دادن به این جنگ بی سر انجامند.

تشکیل نیروی کماندوی اردنی

توطئه های سلطه جویانه امپریالیسم آمریکادر منطقه خاور نزدیک و خلیج فارس، هر روز ابعاد تازه ای می گیرد. در هفته گذشته، خبر گزارهای جهان اعلام کردند که مقامات دولتی آمریکا با مشاورت نمایندگان کنگره، این کشور تصمیم گرفتند یک نیروی کماندوی اردنی تشکیل دهند.

مأموریت این نیرو، بداخله در بحرانهایی است که نقل و انتقال نفت را مختل می کند. همچنین گفته می شود، آمریکا از این نیرو برای باز نگه داشتن خطوط کشتیرانی در خلیج فارس استفاده خواهد کرد.

آمریکا بر اساس موافقتنامه های با اردن، طبق این طرح، بودجه مالی و آموزش نظامی چنین نیرویی را تأمین می کند. دولت ریگان، قصد دارد ۲۰۰ میلیون دلار به این نیرو اختصاص دهد که قسمت عمده آن به منظور خرید هواپیما های نظامی است. همچنین بر طبق آخرین اخبار منتشره در روزنامه ها، آموزش اولین گروه از سربازان اردنی، هم اکنون شروع شده است. این اقدامات امپریالیسم و سایر همکارانش در منطقه، چیزی جز بیان صریح سلطه جویی و حکمفرمایی، زور و تهدید، فشار و شانناژ بمنظور ظلمت منابع خلقها و سوء استفاده از موقعیت استراتژیکی آن علیه اتحاد شوروی و سایر نیرو های مترقی در منطقه نیست.

کل بود، به سبزه هم آراسته شد!!

بد نبال سخنان آقای خاموشی، نماینده سرمایه داران بزرگ بازار، در مجلس شورایی اسلامی و پافشاری ایشان بر لزوم سپردن کلیه مراکز توزیع کشور به «دستان پر قدرت» بخش خصوصی - که شرح آن در شماره «قبل» راه توده «آند» آقای سید ابوالفضل تبریزی، نماینده مردم تبریز، نیز، روز پنجشنبه ۲۸ مهر ۶۲ در جلسه علنی مجلس، با اشاره به سیستم ضد مردمی توزیع که از جانب دولت اعمال می گردد، در «اثبات» ادعای خود که «بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی مشکل توزیع را سامان می دهد»، از جمله چنین گفت:

«در این مملکت قبل از آنکه دولت بداخله بکند، مسئله ای بنام جای نداشتیم. مسئله پرنج همینطور... اگر هدف دولت این است که وسائط (واسطه ها) را بین مصرف کننده و تولید کننده حذف بکند... اما در این جهت هم می بینیم، دولت واسطه خوب نتوانست باشد... دولت ناظر خوب می تواند باشد، اما تاجر خوب نمی تواند باشد».

در حقیقت آقای ابوالفضل موسوی تبریزی نیز، همچون آقای خاموشی و دیگر دوستانشان، با استفاده از آبی که دولت، از سر اهل و بی بند و باری و بی برنامه گسی، گل آلود کرده، به سید ما همی مشغول شده اند، تمام بی سامانیها و دشواری های امر توزیع را به گردن «سیستم توزیع دولتی» می اندازند و خود را بجنسوان قهرمانانی که برای اولین بار «راه حلی» برای رفع مشکل توزیع یافته اند، جا می زنند.

این گونه «سو» بهره برداری ها، تنها بمنظور هر چه بیشتر «سرکشیه کردن» مردم

نیست! تنها به این دلیل نیست که «سیستم آزموده شده» توزیع دولتی را بی آبرو کند، بلکه به این خاطر هم هست که نگاههای پر شرر مردم را از جستجوی کسانی که انقلاب را در ورطه شکست و ناپودی افکند مانده، منحرف سازد، به این خاطر هم هست که سرمایه داران بزرگ را که «با حفظ سمت» از مدافعین محتکران های بزرگ هم هستند، از زیر ضرب خارج کند.

اگر جز اینست، چرا این دولت به اصطلاح «برآمده از دل مردم»، به کمترین خواست همین مردم، تن در نمی دهد و با گسترش سریع و برنامه ریزی شده، «تعاونی های واقعی» مردمی، «جان به لب رسیده» آنان را از چنگال محتکرین و گران فروشان «سرمایه دار» نجات نمی دهد؟!!

«حاکمیتی که هم طرفدار سرمایه دار و هم طرفدار فتودال است»!

آقای محمد حسینی نماینده رودسر در مجلس می گوید:

«در یکماه مرخصی مجلس، من به حوزه انتخابیه خود، در جاهایی که هنوز پای اتومبیل به آنجا نرسیده، رفتم و دیدم که اربابان گذشته فراری یا همدستی مأمورین انتظامی در حال چیدن فندق و گرد و برای خود هستند، مردم محروم ما که با تپش انقلاب به جلو آمده بودند، به تدریج می ترسند و احساس می کنند که آنها با تشکل جدیدی می خواهند به صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت برگردند. بررسی کردیم به دادگستری و می بینیم که نیروهای جوان و انقلابی ما که بر سر معیارهای انقلابی ایستاده بودند با همدستی جناحهایی که در دادگستری هستند، به زندان کشیده می شوند و شلاق می خورند و می خواهند از نیروهای انقلاب انتقام بگیرند. ارگانهای انقلابی با هم در مقابل این تعدی ها می ایستند، اما کسی به داد این مردم نمی رسد».

وی سپس به درستی به ادعاهای پوچ رهبران ج ۱۰ و عدم توانایی حاکمیت در حل مسائل بنیادی انقلاب و توجیه آن به وسیله جنگ اشاره کرده و می گوید:

«ما مشکلاتی را می بینیم که در برابر چشم ما گشوده است و قابل حل است و ایسین، آن فشاری نیست که بعضی ها می خواهند بگویند به علت جنگ این وضعیت پیش آمده است. آیا اگر جنگیانی بیاید و در محیطی که جاده نیست وقتی که می خواهد چوب بگیرد برای عده پولدار و ثروتمند بگیرد و فقرا خانمشان آب بریزد و زندگی روز مرشان مورد مخاطره قرار بگیرد، این تحت فشار جنگ است؟ آیا این را می شود به این صورت توجیه کرد که مثلا فشار جنگ باعث شده که این کارها انجام شود، و ایتر ما در حال تکوین می بینیم و به مسئولین محترم ج ۱۰ هشدار می دهیم، ما که گفتیم، انقلاب نه طرفدار سرمایه دار و نه طرفدار فتودال است، چطور چهار سال بقیه در صفحه ۱۳»

مخالفتان واقعی صلح در لبنان

تنها از "برکت" حضور نیروهای تجاوزگر خارجی است، که برآند "صلح" دلخواه خود را به مردم لبنان تحمیل کنند. تنها قربانی این وقایع، مردم لبنان اند که کشورشان به جولا نگاه امپریالیسم بدل شده، نه نیروهای مداخله گر خارجی!

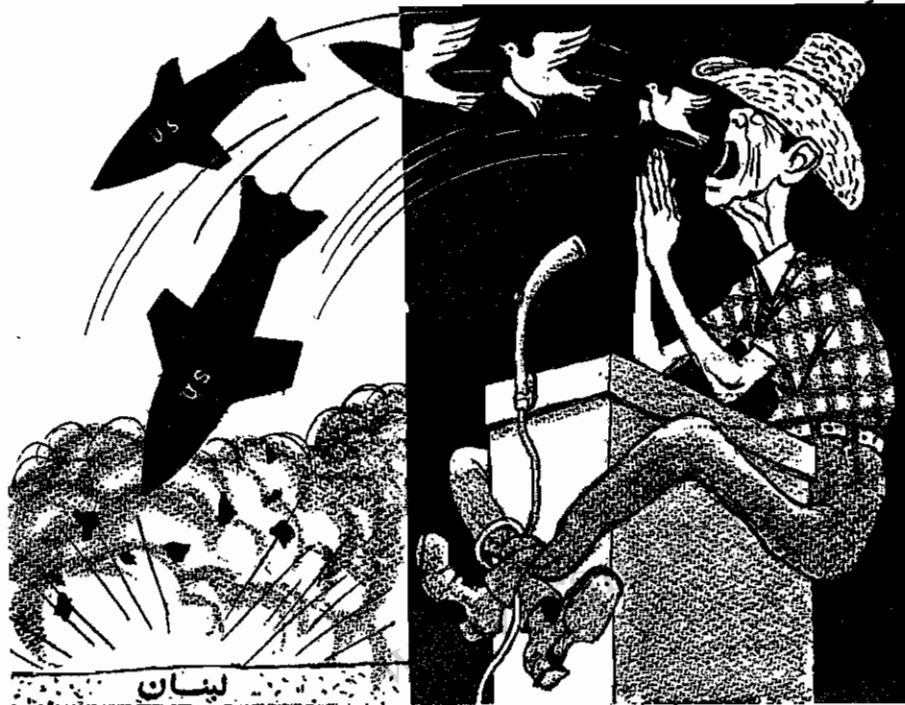
و منطقه بارها خواستار آن شده اند تا تمام نیروهای امپریالیستی مستقر در لبنان، خاک این کشور را ترک گویند و حق تعیین سرنوشت و استقرار قطعی صلحی پایدار را به مردم لبنان پسایزند. بر سر ناآرامی ها و وقایع ناگواری که در این کشور تکه تکه شده اتفاق می افتد، تنها و

در هفته گذشته، ساختمان قرارگاه نیروهای آمریکائی و فرانسوی سپاه به اصطلاح صلح مستقر در لبنان، با دو بمب قوی با خاک یکسان شد. در نتیجه این انفجار، عده زیادی از تنگداران آمریکائی و سربازان فرانسوی کشته شدند.

مخالف گوناگون جهان، در رابطه با این انفجار، عکس العمل های متفاوتی بروز دادند؛ برخی با توجه به این رویداد خواستار آن شدند، که دو کشور آمریکا و فرانسه، سیاست خود را در قبال لبنان مورد ارزیابی دوباره قرار دهند. برخی دیگر، بویژه مخالف جنگ طلب آمریکائی، خواستار آن شدند، که این کشور نقش ویرانگر خود را در لبنان بگونه ای موثرتر و جدی تر ایفا کند. ریگان اعلام کرد؛ ارتش آمریکا به عملیات تلافی جویانه ای دست خواهد زد.

وزیر امور خارجه فرانسه و دیگر محافظان امپریالیستی نیز اعلام کردند؛ این اقدام گامی است علیه برقراری صلح در لبنان و اینکه گویا این نیروها به منظور استقرار صلح در بیروت مستقر بودند.

اما همه، بویژه مردم لبنان و منطقه به خوبی می دانند که این عملیات و اقدامات مشابه آن، آن اندازه تعیین کننده نیستند، که صلح در لبنان را به خطر اندازند، بلکه این تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان، آشغال بخشی از آن و حضور نظامی آمریکا، فرانسه، ایتالیا و انگلستان است که صلح را در این کشور بر هم زده است. مردم، نیروهای مترقی و صلح دوست لبنان



مخالفتان "صلح" در لبنان

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
بعد از انقلاب، با همدستی ارگانهای انتظامی فتودالها به منطقه بر می گردند و خدا گواه است در دهه کوره ای که هنوز جاده ندارد، زنان مردم را به رقص و امیدارند. آیا این هشدار برای ما نیست؟ آیا اینها همان چیزهایی است که مثلا جنگ بر ما تحمیل کرده است؟
وی می افزاید:

"اینها را من با استناد می گویم. اربابی که تا چهار سال پیش بر نمی گشت، اکنون با ما امر انتظامی به این صحنه آمده است. می شود جلوی اینها را گرفت؟ ما نمی توانیم این انحرافات را به گردن جنگ بیاندازیم."

و آنگاه در بخش دیگری از سخنان خود نمونه دادگستری ها را مثال آورده می گوید:
"در رابطه با دادگستری عرض کردم تمام ارگانهای انقلابی به شورای عالی قضایی شکایت کرده اند و گفته اند؛ اینها دارند از نیرو

صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت بازگشته اند می کوشند با ایجاد میدان خالی از حریف، هر چه اراده کنند به سرانجام برسانند و چنان انتقامی از مردم محروم و پای بند به منافع انقلاب خواهند کشید که چنگیز و محمد رضا - ایین قداره بندان تاریخ - در مقابلشان "رحیم" جلوه کنند.

های انقلاب انتقام می گیرند، اما کسی به داد آنها نرسیده است. من از پشت این تریبون، به شورای عالی قضایی اعلام می کنم که اگر دادگستری در فکر این باشد که نیروهای انقلاب را بزند آن بیاندازد و به پدر شهید بگوید، ریشش را بتراشیده این دادگستری بسته باشد، والله به نفع انقلاب است."

وی در پایان به روندی که انقلاب را به انحراف و مسخ کشانده اشاره کرد و می گوید:
"یعنی روند به یک طرفی کشیده می شود که آن روند مایوس کننده "نیروهای انقلاب و رشد دهنده" انقلاب و رشد دهنده کدخداهای منطقه، قدرتمند های دیروز است."

این تنها، نمونه ای از خیل عظیم اقدامات ضد مردمی سرکوبگران ج ۱۰۱۰ است که در لباس "شرع" جماعتی ساخته و پر سر انقلاب می گویند. آنها که راه چاره را در بازگشت به گذشته سیاه می دانند، از مردم می خواهند که از انقلاب توبه کنند و سه بار، نه بار غلط کنند و دیگر اسم انقلاب و تحول را هم نیاورند! بی تردید، کسانی که "با تشکل جدیدی به

نامه خوانندگان

رفیق عزیز آیدین، نامه شما همراه کبک، عالیپشان بدست ما رسید.
دوست عزیز از خلیج، شعر شما به زبان بلوچی به دست ما رسید.
دوست گرامی، هراز شمال، شعر شما که به رفیق حسن حسین پور تبریزی تقدیم کرده بودید، به دست ما رسید.

در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان بیا خیزیم

بقیه از صفحه ۱۱

اقتصادی کشور در اختیار کسانی است که در غرب تحصیل کرده اند و در موا ردی حتی چند ماه پیش از این در دانشگاه های آمریکا و انگلیس ظاهرا به تحصیل اشتغال داشتند .

سیاست محروم ساختن جوانان کشور از تحصیل در دانشگاه ها و مدارس عالی پس از باصلاح بازگشایی دانشگاه ها نیز هم چنان ادامه دارد . عملا کسانی می توانند به دانشگاه ها راه یابند که آمادگی بی چون و چرای خود را در پذیرش سیاست تشریب و راستگرایان به تأیید آنان رسانده باشند . راست آنست که برپایه یک نظام تفتیش عقاید قرون وسطایی با استعدادترین دانشجویان در معرض اخراج دائمی از دانشگاه ها و مدارس عالی قرار دارند . علاوه بر این در ایسن عرصه نیز خالی کردن دانشگاه ها از استادان مجرب و موثر به انقلاب آموزش عالی کشور را با بحران عمیقی روبرو کرده است که کارکرد موثر دانشگاه ها بویژه در رشته های علمی و فنی برای چندسال آینده غیر ممکن به نظر می رسد . اضافه بر اینها ممنوعیت دختران از تحصیل در چندین دانشکده تا کنون رسماً اعلام شده است . فضایی که در دانشگاه های کشور بعد از بازگشایی اخیر حاکم است خود داستان بدون شرح است . در اینجا نیز جو ارباب و تفتیشی عقاید ، چاپلوسی و تعلق و اشاعه باورهای ضد علمی حاکم است . وضعیت اسفبار آموزش عالی کشور باعث شده که کاروان بزرگی از جوانان کشور حتی با اندک بضاعتی بصدادامه تحصیل راهی کشورهای امپریالیستی شوند و در حقیقت در قرار سرنوشتی نامطمئن در پی " سرنوشتی نامعلوم " به خارج از کشور بگریزند ! اینست کارنامه درخشان !! ستاد انقلاب فرهنگی که آقای رئیس جمهور برای جلوگیری از فسوران اعتراضات مردم و جوانان انقلابی و ترقیخواه ، صلاح را در ترمیم صوری آن دانسته اند . در زمینه مسائل مربوط به ورزش جوانان و نوجوانان نیز نه تنها گام علمی موثر در جهت همگانی کردن ورزش برداشته نشد ، بلکه در نتیجه عملکرد سیاستهای قشری و تنگ نظرانه محدودیت های تازه ای در راه جلب و جذب جوانان به ورزش فراهم آمده است . از جمله ورزش بانوان با بی اعتنائی مستریمه فراموشی و رکسود کشیده شده و دختران جوان و نوجوان از پرورش و پرورش استعداد های خود در میدان ورزش محروم مانده اند . ناگامی های چشمگیر در مسابقات و میادین بین المللی جلوه دیگری از سرنوشت غم انگیز و اسفبار ورزش کشور است که نمی توان آنرا نادیده گرفت .

آنچه که بر شمریم مظاهری از روندی است که اکنون همه هستی انقلاب را در معرض نابودی قرار داده است . روندی که اساسی ترین مشخصه آن غلبه خط راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است که از غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و بزرگ مالکی دفاع می کند و دست در کار باز سازی و گسترش مناسبات پامپریالیست ها از جمله شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار است .

دانش آموزان ! دانشجویان ! جوانان زحمتکش !

سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) حل مسائل جوانان کشور را جدا از راه حل برون رفت انقلاب از بحران کنونی نمی داند . بنظر ما پاسخگویی به نیازهای انقلابی توده جوانان کشور و تأمین حقوق آنان در گروی سد کردن پیشروی امپریالیسم و راستگرایان و افشای طرد خط راستگرای مدافع سرمایه داری و سازش با امپریالیسم در مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است . قیسل از هر چیز در سال تحصیلی جدید نوجوانان و جوانان مدافع انقلاب را دعوت می کنیم که صرف نظر از تفاوت در معتقدات سیاسی ، مذهبی و نظرگاههای فلسفی در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان متحد شویم . ما می طلبیم که در راه اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی که متضمن تأمین حقوق ما نوجوانان و جوانان نیز هست مبارزات خود را گسترش دهیم . ما از همه جوانان زحمتکش ، انقلابی و ترقیخواه میخواهیم که بیرامون سازمان های پیشاهنگ خود ، سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده ایران صفوف خود را فشرده تر سازند و در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان بیاخیزند ! جنبش دوکراتیک جوانان که در راه تأمین حقوق خود می ریزد جزئی از جنبش انقلابی توده های میهن ماست . ما از همه نوجوانان و جوانان کشور می طلبیم که پیوند های خود را با جنبش انقلابی کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش که همرا خواهان مبار غارتگری سرمایه داری و نابودی بزرگ مالکی هستند استحکام بخشند . توده های دهسای میلیونی مردم زحمتکش میهن مان خواستار انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی یعنی خواستار اجرای اصول مردمی قانون اساسی اند و می خواهند حقوق مردم و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی رعایت و تأمین گردد ، ما از توده نوجوانان و جوانان کشور می طلبیم که از خواست های برحق توده های دهسای میلیونی زحمتکش شهرها و روستاها بگریانه دفاع کنند و قاطعانه از مبارزاتشان پشتیبانی بعمل آورند و از این طریق در راه جلب پشتیبانی آنان از جنبش

دوکراتیک جوانان مجدانه بکوشند . سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) ، همه دانش آموزان دانشجویان و جوانان زحمتکش میهن را به مبارزه متحد و متشکل در راه تحقیق خواسته های زیر فرا می خواند :

۱- اصل سی ام قانون اساسی اشعار می دارد " دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد " ما براین پایه خواستار اجرای بدون خدشه اصل " تحصیل رایگان و همگانی " هستیم و می طلبیم که بدون درنگ همه قوانین و صومعه های مغایر با این اصل ، از جمله محدودیت تحصیل دختران طبخی گردد و اقداماتی که با روح اصل سی ام قانون اساسی مخالف است متوقف شود .

۲- پرداخت کمک هزینه تحصیلی به نوجوانان و جوانانی که از بضاعت مالی ناچیز برخوردارند ، ایجاد امکالی ورود به مدارس و دانشگاه ها برای فرزندان کارگران و دهقانان کشور و فراهم آوردن امکانات لازم سوادآموزی و کسب مهارت های فنی برای کارگران نوجوان و جوان .

۳- اصل ۱۰۴ قانون اساسی بر تشکیل شوراهای مرکب از نمایندگان اعضای واحد های آموزشی بمنظور مشارکت در اداره این واحدها تأکید دارد ، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی شوراهای مدارس و دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با شرکت نمایندگان واقعی دانش آموزان و دانشجویان باید تشکیل گردد . ما خواهان تشکیل و تحکیم اینگونه شوراهای هستیم و می طلبیم که کلیه قوانین ، آئین نامه ها و مصوباتی که در مخالفت با دلائل این اصل تنظیم شده و هدف آن حذف دانش آموزان و دانشجویان از صحنه می باشد ملغی اعلام گردد .

۴- بموجب اصل ۲۶ قانون اساسی دانش آموزان و دانشجویان حقوق آنها دارند که برای دفاع از حقوق صنفی خود در انجمن های صنفی دانش آموزی و دانشجویی متشکل شوند . ما خواستار اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی هستیم .

۵- اصل ۲۳ قانون اساسی می گوید " تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان بصرف داشتن عقیده های مورد تعرض و مواخذه قرار داد " . بموجب این اصل شرط تحقیق و تجسس در زندگی و تفتیش در عقاید اشخاصی که آماده ورود به دانشگاه ها و مدارس عالیند ، امری مخالف قانون اساسی است . ما بر پایه این اصل خواستار متوقف شدن کلیه سیاستهای هستیم که در محیط های آموزشی کشور بر خلاف اصل ۲۳ قانون اساسی صورت گرفته و می گیرد .

۶- خلق های غیر فارس و اقلیت های قومی کشورمان حق دارند که از میراث فرهنگی و قومی خاص خود برخوردار باشند . فرزندان آنها باید بتوانند در دوره ابتدایی همراه با آموزش زبان فارسی ، زبان مادری شان را فرا بگیرند و به زبان مادری شان آموزش ببینند .

۷- تشکیل دوره های کوتاه مدت و فشرده رایگان بویژه در رشته های صنعت ، کشاورزی ، ساختمان ، تعمیر ماشین آلات و بهداشت عمومی ، برای دیلمه های بیکار به منظور آموزش حرفه و فن به آنان .

۸- گسترش فعالیت های ورزشی و ایجاد امکانات برای فعالیت های هنری از راههای مقابله جدی با فساد و انحرافات اجتماعی است . برای رشد شخصیت و سلامت تن و روان کودکان ، نوجوانان و جوانان گسترش فعالیت های ورزشی و ایجاد امکانات برای فعالیت های هنری ضروری و لازم است . باید این امکانات در محل های زندگی ، مدارس و دانشگاه ها و مدارس عالی ایجاد و گسترش یابند .

جوانان پیشرو ، ترقیخواه و انقلابی !

جنبش دوکراتیک جوانان با توجه به گستردگی کمی ، شور انقلابی بی کزان و رزمندگی گرد انبهای پیشاهنگش ، در دفاع از انقلاب و دستاورد های آن مسئولیت سنگینی بعهده دارد . در هر کجا که کار می کنید ، درس می خوانید و زندگی می کنید با تمام نیرو در راه گسترش و تحکیم پیوندتان با مردم زحمتکش و در رأس آن پسا کارگران و دهقانان بکوشید . باید امروز در هر کجا هسته متشکل و متحد شما محور شکل و اتحاد عمل تمامی جوانانی باشد که در دفاع از انقلاب و تحقق آساج های آن آماده مبارزه اند و برآنند تا در راه تأمین حقوق خود مبارزه کنند . فشرده گی صفوف این نیروها با هر عقیده و باور سیاسی که هستند البته کار آسانی نیست ، از خاطر تبریم که راه و اهداف ما روشن ، مقدس ، مردمی و انقلابی است و ملبرغم هر تلاش شقاوت آمیزی که برای خدوش صلختن آن بعمل می آید تفاوت توده های دهسای میلیونی زحمتکش و محرومان در اثبات حقانیت تاریخی ماست . تاریخ ساز اینک از ما تلاش ، فداکاری ، پایداری و از خود گذشتگی فراوانی طلب می کند . ما با اطمینان سرآن داریم که در پیشگاه تاریخ به پشتوانه انجام شایسته مسئولیت های تاریخی خود با سرافراشته بایستیم و ... خواهیم ایستاد .

زننده بباد انقلاب

سرگ پسر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

از "نوید" بیاموزیم!

بقیه از صفحه ۹

پایداری تشکیلاتی سازمان "نوید" که به پایداری مصمانه و قاطعانه آن به اصول تشکیلات غیر متمرکز مخفی بسته بود، آنرا در جریان رشد انقلاب به سازمان پیش آهنگی بدل ساخت، که در فکر و عمل راهگشا بود.

در این مورد در "سیر و گذشت سازمانی زیر زمینی" "نوید" درباره اعلام آغاز انقلاب بهمن ۵۷ توسط آن چنین می خوانیم:

در پی طغیان گسترده قم که به خون کشیده شد، و قیام ۱۰۰ هزار نفری تیریز که رژیم را بهیست زده کرده دیگر تردیدی نبود که انقلاب آغاز شده است. "نوید" این واقعیت را، که هنوز در بسمباری از پاورها نمی گنجید، برای اولین بار مژده داد:

"وقتی يك خلق با چیدستی و سنگ و کلوخ در گسترهای عظیم به جنگ تانک ها و مسلسلها می رود، وقتی شعارهای آزادی را با خون خود شعله می زند و سرگه را برای مٹاشی کردن آن زندگی گوسفندی و تحقیر آمیز، که می خواهند بدو تحمیل کنند می پذیرد، بی شک آن لحظه انفجاری فرا رسیده است که حکومت کنندگان به شیوه گذشته نتوانند ادامه دهند و حکومت شوندگان نخواهند مانند گذشته حکومت شوند." (نوید، ۱۶ اسفند ۵۶)

پدید آمدن وضع انقلابی، وظایف نوینی را در دستور روز همه سازمانها و احزاب سیاسی قرار می داد. تعیین درست ترین شعارها و بسیج تودهها بر محور این شعارها، که از درون واقعیات عینی و حرکت زنده مردم باید استخراج شود، حساس ترین وظیفه بود. "نوید" در این دورانی متلاطم، این شعارهای راهگشا را به میان توده برد.

درست در فردای خونین ۱۷ شهریور و برقراری حکومت نظامی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ بر اساس این برداشت که در شرایط کیفی جدید، تظاهرات وسیع خیابانی، که عمده ترین اهرم مبارزه مردم بود، تا حدی عملا ممکن نیست و برای مبارزه مسلحانه هم هنوز آمادگی توده های وجود نداشتند و ابزار و لوازم کسار و زمینه های لازم تدارک نشده است. "نوید" به این نتیجه رسید:

"تنها يك راه باقی است، موثرترین راه: با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را علیه مردم در هم بشکنیم." (نوید، شماره ۴۸ - شنبه ۱۸ شهریور)

این شعار، در فضائی که قتل عام بیرحمانه مردم بر دفاع در ابعادی بی سابقه، خشم خلق را به بهت آمیخته بود، پاسخی بود به سؤال ناگفتائی که بر لب ها و در چشم ها و دلها موج می زد. شعار "اعتصاب عمومی" که کاملا زمینه عینی داشت، چون فیلده آتشی به انبار باروت افتاد. امواج اعتصابات یکی پیس از دیگری فرا رسید. عظیم ترین کارزار خلقی علیه نظامیان براه افتاد و هر کارخانه، هر دانشگاه، هر مدرسه و اداره و محازه، هر واحد کار و عرصه فعالیت تجاری و ارتباطی و اقتصادی، به يك سنگ فعال بدل شد، و می دانیم که سرانجام همیسن نبرد همه گیر بود که ستون فقرات رژیم را شکست.

"نوید" يك هفته قبل از روی کار آمدن حکومت نظامی از هاری، از این توطئه پرده برداشته و اعلام خطر کرده بود که:

"این میرغصب سر سپرده دربار مأمور اجرای توطئه ای ضد خلقی شده است."

جلاد تاجدار به هر قیمت در سودای در هم شکستن خلق است. به خاطر این مجاهدات بود که در گزارش هیأت اجراییه به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده، ایران، با این زبان از "نوید" و "نویدی ها" تجلیل شد:

"انتشار روزنامه "نوید" که ابتدا در ۱۰۰۰ نسخه و در هفته های اخیر در ۲۰۰ هزار شماره چاپ و منتشر شده است، تاثیر فوق العاده مثبتی در بسا لا بردن حیثیت حزب، در بردن افکار و نظریات حزب به میان قشر قابل توجهی از مردم و بویژه در میان کارگران و روشنفکران و دانشجویان داشته است. . . ."

گروه های متعدد دیگر به تجدید چاپ "نوید" در ۷۰۰ و ۱۰۰۰ و گاهسی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند. برخی با فتوکپی و بعضی دیگر با چاپ مقالاتی از "نوید""

پیروزی انقلاب، اقتضای مبارزه زیر زمینی را که "نوید" از عرصه آن برآمده بود، از میان برداشت. در آخرین شماره "نوید" که در ۲۶ اسفند ۵۷ منتشر شد، و ادعای کونفای چنین به چاپ رسید:

"با انتشار هفتاد و سومین شماره، "نوید" به عرصه جدید تلاش و پیکار می پیوندد. انتشار نخستین شماره "مردم" ارگان مرکزی حزب توده، ایران، در شرایط فعالیت علنی تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی، که به یمن انقلاب مردم سلحشور میهن ما ببار آمده، لزوم ادامه حضور "نوید" را، که پاسنگوی ضرورت مبارزه زیر زمینی بود، از میان برداشت. "نوید" که طنینی از صدای مردم زهر بیوغ و تسلیم ناپذیر ما و تنها نشریه منظم سیاسی داخل کشور در سخت ترین شرایط ترور و اختناق و ماسور بود، اینک بصورت شاخه ای به درخت دیرینه مادر خویش (روزنه مردم) جوش می خورد، زیرا خود از آغاز ریشهای سبز بر افراشته از انبوه ریشه های این درخت تناور بود. امید که هرگز در میهن ما آنچنان شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار نوید و "نوید" های زیر زمینی را ایجاب کند."

رفقا و هواداران حزب توده ایران در ایران

در این تردیدی نیست، که حزب ما، پس از یورش بربرمنشانه و فاشیستی ماههای اخیر - بار دیگر در مقابل وظیفه تجدید سازماندهی رفقا و هواداران خود در ایران قرارداد. تجربه پر بار حزب، در سالهای قبل از پیروزی انقلاب، در این زمینه گنجینه عظیمی است، که باید بطور خلاق، مورد استفاده و کار برد قرار گیرد.

از این رو ما، بار دیگر توجه رفقا و هواداران حزب را در ایران به اعلامیه مورخ ۱۲- تیر - ۶۲ کمیته برون مرزی حزب، جلب می کنیم و آنان را فرا می خوانیم تا با ایجاد گروههای کوچک، با برقراری ارتباط زنجیره ای بر مبنای اصول کسار مخفی - هسته های مبارزاتی چنین دوران پر خفائی را ایجاد کنند و با استفاده از ابتکارات خود با کمیته برون مرزی حزب - نامه با اسم مستعار آدرس فرستاده نادرست، دوستان خود در خارج از کشور و غیره - تماس بگیرند.

تنها از این طریق و با استفاده از شیوه آزموده شده، سازماندهی و کارمخفی است که ما، می توانیم همراه و همگام با یکدیگر و وظایف تاریخی خود را به سرانجام پیروز خود برسانیم!

"انقلاب فرهنگی، ارتجاع، جانشین . . ."

بقیه از صفحه ۶

ببرند و از راه فرهنگ وارد شدند و ایمن راه خطرناکی است که امت اسلامی را تهدید می کند و اگر در مقابل این عمل خائنانه ایستادگی نکنیم، نابود خواهیم شد."

آقای ربانی املشی این خائنانه بودن ایجاد مدارس جدید را تأیید می کند و می گوید:

"خدا یسا چقدر بیدار بود و شاید کمتر کسی درك کرد آیت الله العظمی علامه نائینی چه می خواهد بگوید. شاید خیال می کردند آقا . . ."

"انقلاب فرهنگی" مورد تأیید آقای املشی برای رویا روشی با "انقلاب فرهنگی" امپریالیسم نیست. هر دوی آنها دو روی يك سکه اند و پس طبقات فارتگر خدمت می کنند. مردم ایران به هیچیک از آنها نیازی ندارند و خواهند آنچنان انقلاب فرهنگی هستند که فرهنگ ارتجاع و امپریالیسم را یکباره کنار بگذارد و مردم ما را برپایه دستاورد های دانش و فرهنگ پیشرو تمام جامعه انسانی، در سراسر کره زمین بسوی بهروزی و خوشبختی راهنما شود.

اینگار بدست آقای ربانی املشی و امثالهم امکان پذیر نیست. زیرا به حق از دانش و خرد وحشت دارند.

می گوید علم یعنی فقه و اصول و ادبیات عرب اما نه، ایشان خوب دانسته بود "استعمار در همه جا این نقش را بازی کرده است. بعد از آنکه وارد شده است يك "انقلاب فرهنگی" کرده است و فرهنگ يك کشور را می خواهد در اختیار خود بگیرد."

پس سرمداران ج ۱۰۱۰ هم بایسد يك "انقلاب فرهنگی" بکنند تا فرهنگ مردم ایران را در اختیار بگیرند. "انقلاب فرهنگی" سراسری دوام و بقا، انقلاب اسلامی ضرورت داشت. . . ."

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



احکام سنگین علیه کردهای ترکیه

دادگاه نظامی دیار بکر ترکیه - علیه ۲۱۳ تن از کردهای که به اتهام عضویت در حزب کردی کردستان ترکیه محاکمه می‌شدند، احکام سنگینی صادر کرد. ۴۰ تن از متهمان، محکوم به مرگ، ۱۷ تن، به زندانهای طولانی از ۱۰ تا ۳۶ سال و ۶۸ تن، به زندانهای کمتر از ۱۰ سال محکوم شدند.

دادگاه نظامی دیار بکر، تا پیش از تشکیل محاکمات اخیر، برای ۵۷ مبارز کرد نیز، رأی محکومیت صادر کرده بود. اکنون ۸۹ تن، به تعداد محکومین افزوده می‌شود. کردهای ترکیه ۴ سالهای طولانی است که در این کشور، برای کسب حقوق ملی خود پیکار می‌کنند ولی حاکمان ترکیه حتی از به رسمیت شناختن اقلیت کرد در مناطق مرزی کشور خود امتناع می‌ورزند و آنانرا "ترکهای کوهستانی" می‌نامند!

عمال سیا و موساد با نقاب "اسلامی"

هفته گذشته در شهر طرابلس، واقع در لبنان، گروهی عناصر مسلح که خود را "جنبش اتحاد اسلامی" معرفی می‌کردند به مقر حزب کمونیست لبنان و خانه‌های اعضای حزب در این شهر حمله کردند و وعده زیادی از کمونیست‌ها را کشتند. سر نخ این حمله، خائنه به کمونیست‌های لبنان، که همواره به مناقح اساسی خلق‌های عرب وفادار بوده‌اند و هستند، بدین ترتیب در دست سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا "سیا" و سازمان جاسوسی اسرائیل "موساد"، بوده است که پیوسته می‌کوشند به اختلافات و درگیری‌های مسلح داخلی در لبنان دامن بزنند تا مردم لبنان را از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع منحرف سازند.

لغو ممنوعیت

حزب کمونیست سریلانکا

بدنبال حوادث خونین چند ماه گذشته، دولت سریلانکا، حزب کمونیست این کشور را سهم کرده که گویا در برانگیختن درگیری‌های میان‌گروه‌های متخاصم ملی دست داشته است و بدین جهت آنرا غیر قانونی اعلام نمود. اکنون موافق تصمیم دولت، این ممنوعیت لغو شده و رفیق سیلوا، دبیر کمیته مرکزی حزب

کمونیست سریلانکا و برخی از دیگر رهبران حزب، که به دنبال اعلام غیر قانونی شدن آن بازداشت شده بودند، از زندان آزاد گردیدند.

طی چند ماه اخیر محافل اجتماعی سریلانکا، اعتراضات گسترده‌ای علیه این اتهام در زمین دولت، سازمان داده بودند. همین اعتراضات پر دامنه بود که دولت را واداشت تا در تصمیم خود تجدید نظر کند.

دستها از نیکاراگوئه کوتاه

دانیل ارتگا، هماهنگ کننده شورای رهبری دولت نیکاراگوئه، طی خطابه‌ای به مردم این کشور اطلاع داد که امپریالیسم آمریکا تصمیم دارد مستقیماً در نیکاراگوئه دخالت کند. عملیات رزمی علیه این کشور را ستادی رهبری می‌کند که در آن نمایندگان سیا و فرماندهی بخش جنوبی ارتش آمریکا شرکت دارند. بمنظور تدارک هجوم همه جانبه، سیا و پنتاگون، تعدادی هواپیمای نظامی در هندوراس و کستاریکا متمرکز ساخته‌اند تا از آنجا، نیکاراگوئه را بمباران کنند. اینک ایالات متحده آمریکا، مشغول تجدید آرایش گروه‌های مسلح مزدور است تا آنها را برای حملات جدید آماده سازد.

این توطئه‌ها، خشم و تنفر تمام زحمتکشان نیکاراگوئه را برانگیخته است. خلق نیکاراگوئه که خطر تجاوز مستقیم امپریالیسم را احساس می‌کند باز هم بیشتر بدور دولت انقلابی ساند نیشتمسی حلقه می‌زند. در این شرایط، فریاد‌های اعتراضی "دستها از نیکاراگوئه کوتاه"، که در سراسر جهان طنین افکنده، تحقق نقشه‌های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را سدی می‌کند.

تظاهرات گسترده "جنبش صلح"

عملی مینی بر انجماد تعداد موشکها و خلع سلاح، کاهش تعداد موشکهای هسته‌ای میانبرد هر دو طرف - که استقرار این موشکهای مرگبار را غیر ضرور سازد - ارائه داده است. تمام کوشش اتحاد شوروی در مذاکرات خلع سلاح زنون بر این است تا راه‌های عملی برای رسیدن به توافق با آمریکا پیرامون موضوعات مورد اختلاف، یافت شود، که متأسفانه با پاسکاری آمریکا بر مواضع جنگ طلبانه و نظامیکرایانه و برتری جویانه خود، تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده است. اتحاد شوروی بارها آمادگی خود را برای کاهش یکجانبه تعداد جنگ افزارهای هسته‌ای خود، عدم پیشدستی در کار برد سلاح هسته‌ای، اعلام کرده است. اما آمریکا از پیروی از این سیاست اصولی و صلحدستانه اتحاد شوروی سر باز زده و بر نقشه‌های خود، مینی بر استقرار موشکهای جدید میانبرد پافشاری می‌کند. اصرار آمریکا و تدارک مقدمات استقرار این موشکها مقاومت محافل مختلف اجتماعی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا را شدت بخشیده و هر روز اقتشار وسیعتری از مردم با شرکت در فعالیت‌های صلح طلبانه، مخالفت خود را با نقشه‌های جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا اعلام می‌کنند. انجام این تظاهرات در اکثر کشورهای اروپای غربی و آمریکا و کشورهای سوسیالیستی نشانسه مخالفت گسترده مردم، با نقشه‌های دیوانه‌وار و ماجراجویانه آمریکا است.

میلیونها نفر از شهروندان کشورهای مختلف با شرکت در این تظاهرات و فعالیت‌های مشابه، درخواست خود مینی بر لزوم خلع سلاح، و حفظ صلح جهانی تأکید ورزیدند. این تظاهرات و فعالیت‌های توده‌ای، نشانگر رشد مقاومت اقشار و طبقات مختلف مردم جهان، در برابر نقشه‌های دیوانه وار امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان ناتوی آن، برای استقرار موشکهای میان برد هسته‌ای در خاک کشورهای اروپای غربی است. تصمیم ناتو مینی بر استقرار موشکهای پرشینگ ۲ و موشکهای کروزر در اروپای غربی، که خطر بروز جنگ هسته‌ای را افزایش داده و مسابقه تسلیحاتی را به مرحله کیفی جدید و خطرناکی می‌کشاند، قرار است در پایتیز اسسال عملی گردد و طبق گزارشات متعدد محافل صلح - دست در اروپای غربی، تدارک مقدمات استقرار این موشکها چیده شده. هدف آمریکا و هم پیمانان ناتوی آن، از استقرار این سلاحهای تهاجمی جدید، کسب برتری استراتژیک هسته‌ای بر اتحاد شوروی و ایجاد امکان بر پائی "جنگ محدود هسته‌ای" و وارد کردن ضربه کاری به مراکز تصمیم گیری در اتحاد شوروی، به منظور مختل ساختن قدرت عمل این کشور است. استقرار این موشکها که از سرعت عمل و دقت نشانه گیری بسیار بالایی برخوردارند، خطر جنگ هسته‌ای را به مراتب افزایش می‌دهد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با توجه به این واقعیتها، بارها پیشنهادهای

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!
رفقای هوادار حزب توده ایران در هایدلبرگ هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH
No. **راه تووه**
Address: **Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90**
Price:
England 30 P.
West-Germany 22 Fr.
1 DM Italy 600 L.
France 3 Fr. U.S.A. 40 Cts.
Austria 8 Sch. Sweden 3 Skr.